
از تبار محدثان
سکینه دخت امیر مؤمنان
علی اکبر مهدی‌پور

بسم الله الرحمن الرحیم

از تبار محدثان سکینه دخت امیرمؤمنان علیه السلام

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

از تبار محدثان سکینه دخت امیرمؤمنان علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور ، علی اکبر ، ۱۳۲۴ _

عنوان و پدیدآور : از تبار محدّثان سکینه دخت امیرمؤمنان علیه السلام / علی اکبر مهدی پور .

مشخصات نشر : قم : رسالت ، ۱۳۸۸ .

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص .

شابک : ۰ - ۱۳ - ۶۸۳۸ - - ۹۶۴ ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : سکینه علیهاالسلام بنت علی علیه السلام .

موضوع : محدّثان زن .

رده بندی کنگره : ۱۳۸۸ ۹ م ۸۵ س / ۲ / ۵۲ BP

رده بندی دیویی : ۹۷۷ / ۲۹۷

شماره کتابخانه ملی : ۱۷۲۷۳۲۲

ص: ۱

اشاره

پیشگف_تار

اوّلین مظلوم تاریخ

یکی از اوّلیّات امیرمؤمنان علیه السلام مظلومیّت گسترده آن حضرت می باشد.(۱)

حضرت امام هادی علیه السلام در کنار قبر مطهّر آن حضرت عرضه می داشت :

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّه ِ ؛

أَشْهَدُ أَنَّکَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ ؛

وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ ؛

درود بر تو ای ولیّ خدا !

من گواهی می دهم که تو اوّلین مظلوم هستی ؛

و تو اوّلین کسی هستی که حقّش غصب گردید .(۲)

امیرمؤمنان علیه السلام در حال ایراد خطبه بود که عربی بادیه نشین وارد مسجد کوفه شد و با صدای بلند گفت :

وا مَظْلَمَتاهُ ؛

آه ، چقدر مظلوم شدم !

۱- ۱ . نگارنده ۴۰ حدیث از اوّلیّات امیرمؤمنان علیه السلام را در کتاب « نبراس الفائزین » گرد آورده است .

۲- ۲ . ابن قولویه ، کامل الزّیارات ، ص ۴۱ .

امیرمؤمنان خطبه اش را قطع کرد و به او فرمود :

بیا نزدیک .

چند نزدیک آمد فرمود :

لَقَدْ ظُلِمْتُ عَدَدَ الْمَدَرِ وَالْوَبَرِ ؛

من به تعداد ریگهای بیابان و کُرکهای اشتران مظلوم شدم .(۱)

مظلومیت امیرمؤمنان طوری نهادینه شد که چهل سال تمام در بیش از ۶۰۰۰۰ مسجد ، در خطبه های نماز جمعه به آن حضرت ناسزا گفتند ، در حالی که او در آیه مباهله « نفس پیامبر » تعبیر شده است .(۲)

مظلومیّت فراگیر

مظلومیّت امیرمؤمنان علیه السلام به شخص ایشان اختصاص ندارد ، هر کس به هر مقدار به او نزدیک شود به همان مقدار از مظلومیّت آن حضرت برخوردار می گردد .

معاویه به همه استانداران خود بخشنامه صادر کرده که :

۱- ۱ . مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۴۱، ص ۵۱ .

۲- ۲ . سوره آل عمران ، آیه ۶۱ .

هر کسی را که به محبت علی علیه السلام متّهم کنند ، به شدّت کیفر دهید و خانه اش را بر سرش ویران کنید .(۱)

متوکّل دستور داد به کسی که یک حدیث در فضیلت امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده بود هزار ضربه شلّاق بزنند .

طرّاحان سقیفه نه تنها برای جلوگیری از نشر فضائل آن حضرت تدوین حدیث را منع کردند ، بلکه در یک فراخوان عمومی از اصحاب خواستند که آنچه حدیث از پیامبر نوشته اند بیاورند، همه آورد، آنها را روی هم انباشتند ، به صورت تلّی درآمد ، با یک فرمان همه آنها را طعمه آتش ساختند .(۲)

یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید :

پدرم ۵۰۰ حدیث از احادیث پیامبر را در کتابی گرد آورده بود و آن را به من سپرده بود ، یک شب تا صبح در بسترش آرام نداشت ، چون صبح شد آن را از من گرفت ، آتشی طلبید ، آن را به شعله های آتش سپرد و آنگاه آرام شد .(۳)

علم ستیزی دشمنان مولا

از دیر باز دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، علم ستیزی

۱- ۱ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۱ ، ص ۴۵ .
۲- ۲ . ابن سعد ، الطّبقات الکبری ، ج ۵ ، ص ۱۸۸ .
۳- ۳ . ذهبی ، تذکره الحفّاظ ، ج ۱ ، ص ۵ .

و کتاب سوزی را در طلیعه رفتار خود قرار دادند و اینک چند آمار :

۱) دولت فاطمیان بیش از ۲۰۰۰۰۰ جلد کتاب نفیس در کتابخانه های خود گرد آوردند ، که از عجایب دنیا به شمار می آمد ، صلاح الدّین ایّوبی در تهاجم وحشیانه اش به کاخهای فاطمیان همه آنها را به تاراج برد .(۱)

۲) در تهاجم وحشیانه سلجوقیان به بغداد ، کتابهای کتابخانه شیخ طوسی را به میدان کرخ بغداد بردند و در برابر دیدگان مردم به آتش کشیدند .(۲)

در این کتابخانه ۸۰۰۰۰ جلد کتاب بود و این فاجعه در سال ۴۴۸ ق . رخ داد .

۳) به هنگام ورود طغرل بیک ـ اوّلین پادشاه سلجوقی ـ به بغداد، کتابخانه شاپور بن اردشیر ، وزیر بهاء الدوله ـ آل بویه ـ را به آتش کشیدند .(۳)

در این کتابخانه ۱۰۰۰۰ جلد کتاب نفیس وجود داشت .

۴) احمد پاشا جزّار ، دست نشانده دولت عثمانی ، کتابخانه های جبل عامل را غارت کرده ، گنجینه های فرهنگی شیعیان را به عکّا برده ، به مدت شش روز تنورهای نانوائی ها را با کتب نفیس شیعه گرم نگه داشتند .(۴)

۱- ۱ . مقریزی ، الخطط المقریزیّه ، ج ۲ ، ص ۱۶۵ .
۲- ۲ . ابن حجر ، لسان المیزان ، ج ۵ ، ص ۱۵۳ .
۳- ۳ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۱ ، ص ۵۳۴ .
۴- ۴ . علی مروّه ، تاریخ جباع ، ص ۲۹ .

مشعل ستیزی

حرم مطهّر امامان نور و امامزادگان شایسته تعظیم مصداق بارز :

« فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّٰهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ » ؛

خانه هایی که خداوند اذن ترفیع آنها را داده ، که نام خدا در آنها برده شود .(۱)

می باشد و تعظیم آنها از مصادیق تعظیم شعائر الهی است .

ولی خفّاشان کور دل ، با این بارگاهها که مشعل هدایت هستند و هر روز هزاران نفر در این حرم ها از اعمال خود توبه کرده ، با خدای خود آشتی می کنند ؛ دشمنی خاصّی داشته ، شب و روز درصدد ویران کردن آن برمی آیند .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امام حسین علیه السلام را مشعل هدایت نامیده(۲) خفّاش صفتان که قدرت دیدن خورشید را ندارند ، درصدد خاموش کردن خورشید با فوت کردن خود برمی آیند و بیش از ۲۵ بار قبر مطهّر آن مشعل هدایت را با خاک یکسان کرده اند ، ولی او هنوز هم بر دلها حکومت می کند و هر روز هزاران عاشق هدایت را به سوی خود جذب می کند .

در سال ۴۴۳ ق . گروهی از مشعل ستیزان به حرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام حمله کرده ، آنچه در حرم بود به یغما بردند ، ضریح مقدس

۱- ۱ . سوره نور ، آیه ۳۶ .

۲- ۲ . مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۳۶، ص ۲۰۵ .

امام کاظم و امام جواد علیهماالسلام را طعمه حریق ساختند .

آنگاه پیکر پاک جمعی از دوستان اهلبیت ، چون : ناشی ، حدوجی و عونی شاعر را از قبر بیرون آورده آتش زدند .(۱)

به سال ۴۴۸ ق . زهری بـا گروهی از اوباش به حرم کاظمین حمله کرده ، قبرها را با خاک یکسان نموده ، اشـعار ناهنجاری را رقص کنان و پای کوبان در حرم مطهر بر فراز قبرها می خواندند .

تا نوبت به ابن تیمیّه رسید ، او به این جنایت ها و مشعل ستیزی ها و کتاب سوزی ها رنگ مذهب داد .

او کینـه هـای بـدر و حنیـن را در دل پنهـان کرده ، به نـام دین و زیر پرچم توحیـد ، بـا وحشـیانه ترین شـکل ممکن به کشـتار مسلمانان ، ذبح اطفال و قتل زنان فتوا داده ، آن را جهاد در راه خدا می نامید .(۲)

نهادینه کردن این مشعل ستیزی ها

ابن تیمیّه نسـل کشـی شـیعیان ، تخریب حرم امامـان و از بین بردن شـعائر اسـلامی را در سـطح گسترده ای مطرح کرد ، پیروان مکتبش از قبیل « ابن قیم جوزیه » آن را فرهنگ سازی کردند .

سرانجام تربیت شده استعمار انگلیس(۳) محمّـد بن عبـدالوهّاب آن را نهادینه کرد ، زیارت قبور را تحریم کرده ، از بین بردن حرم ائمّه را واجب دانست .

۱- ۱ . ابن جوزی ، المنتظم ، حوادث سال ۴۴۳ ق .

۲- ۲ . ر .ک : ابن تیمیّه ، العقیده الحمویّه الکبری .

۳- ۳ . ر .ک : مستر همفر ، خاطرات .

وهّابیـان بی فرهنگ به عنوان یک فریضه مـذهبی به حرم مطهّر امام حسـین علیه السـلام حمله کرده ، شـیعیان کربلا را قتل عام نموده ، ضریح مطهّر و دیگر اشیاء نفیس را طعمه حریق ساختند .(۱)

مشعل ستیزی در مکتب پیروان ابن تیمیّه به جایی رسید که شیخ الاسلام عثمانی در فتوای مشهور خود می نویسد :

قتل شیعیان واجب است ، توبه کنند یا نکنند !

هر کس در کفر و الحاد شیعیان تردید کند او نیز کافر و واجب القتل است .(۲)

بـا این فتـاوای ناهنجار حرم مطهّر چهار امام معصوم در بقیع مورد تهاجم قرار گرفته ، گنبـد و بارگاه آنان در روز هشـتم شوال ۱۳۴۴ ق . تخریب گردید .

گنبد و بارگاه دختران و همسـران و عمه های پیامبر در بقیع، حضرت خدیجه و عبدالمطلب در مکه ، ابن عباس در طائف و ... با خاک یکسان گردید .

گنبد و بارگاه امام هادی و امام حسن عسکری علیهماالسلام روز ۲۳ محرم ۱۴۲۷ ق . در سامرا تخریب شد .

یک عدّه جوان خیره سـر که در کلاسـهای دانشـگاه ابن سعود در عربستان و فتح الاسلام در لبنان و دیگر مراکز تروریستی در جهان شستشوی

۱- ۱ . ر .ک : ایّوب صبری ، تاریخ وهّابیان .

۲- ۲ . ابن عابدین ، العقود الدّریّه ، ج ۱ ، ص ۱۰۲ .

مغزی داده شده اند ، با حملات انتحاری خود تاکنون موجب شهادت بیش از ۴۰۰/۰۰۰ شیعه در عراق شده اند .

یکی از دانشمندان غربی می گوید :

مجالس الحسین مدارس ؛

مجالس امام حسین مدرسه است .

مشعل ستیزان با تمام قدرت با این مجالس به مخالفت برخاسته ، عزاداران را همه ساله در مجالس و محافل حسینی به خاک و خون می کشند .

اخبار شیعیان پاکستان و حملات ناجوانمردانه وهابیان به این مجالس وجدانهای بیدار را آزار می دهد ولی در رسانه ها پخش نمی شود و از سوی مجامع بین المللی محکوم نمی شود .(۱)

این جنایتها پیشینه بس درازی دارد ، در عهد آل سلجوق همه ساله در ماههای محرّم و صفر نیروهای انتظامی به مجالس عزاداری شیعیان هجوم برده ، خانه های آنها را طعمه حریق ساخته ، اموالشان را به یغما می برند .(۲)

نمی از یم

این نمی از یم ، مشتی از خروار و گزارش اندکی از جنایات بسیاری است که بر شیعیان ، به جرم پیروی از امام مبین ، امیرالمؤمنین ، علیه صلوات

۱- ۱ . معتمدی ، عزاداری سنتی شیعیان ، ج ۳ ، ص ۳۰۲ _ ۳۴۶ .

۲- ۲ . ر .ک : ابن اثیر ، الکامل ؛ ذهبی ، تاریخ الاسلام ؛ ابن کثیر ، البدایه والنّهایه ؛ ابن جوزی ، المنتظم .

المصلّین رفته است .

امیرمؤمنان علیه السلام همواره از این حوادث خونباری که در انتظار شیعیان بود سخن می گفت و می فرمود :

مَنْ أَحَبَّنا أَهْلَ الْبَیْتِ فَلْیَستَعِدَّ عُدَّهً لِلْبَلاءِ ؛

هر کس ما اهلبیت را دوست بدارد ، پس باید مهیّای انواع بلاها شود .(۱)

امیر بیان در یک تعبیر پر بار ، کوتاه ، نغز و پر مغز فرمود :

لَوْ أَحَبَّنی جَبَلٌ لَتهافَتَ ؛

اگر کوهی مرا دوست بدارد فروریزد .(۲)

با این بیان رسا و شیوای امیر بلاغت ، دیگر انتظار نمی رود که عمّارها ، مقدادها ، ابوذرها ، مالک اشترها و حُجر بن عدی ها در بستر بمیرند و با اجل طبیعی جان سپارند .

کانون بلاها

براساس کلام مولا ، محور بلاها ، اوّلین مظلوم تاریخ ، حضرت

۱- ۱ . مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۳۴ ، ص ۳۳۶ .
۲- ۲ . سید رضی ، نهج البلاغه ، کلمات قصار ، حکمت ۱۱۱ .

امیرمؤمنان است .

هر کس به هر مقدار به این کانون بلاها نزدیکتر باشد ، به همان مقدار سهم بیشتری خواهد داشت .

اگر حضرت ابوطالب با آن مقام شامخی که دارد ، هدف و آماج بلاها قرار گرفته و لبه تیز شمشیرهای زهرآگین دشمنان اسلام به سوی او متوجّه شده ، به این دلیل است که او پدر امیرالمؤمنین است .

اگر صدّیقه طاهره ، سرآمد بانوان جهان ، از اوّلین و آخرین ، در میان در و دیوار آزرده شده ، به این دلیل است که همسر و هم سِرّ امیرالمؤمنین بود .

اگر عقیله العرب زینب کبری ، آنقدر مصیبت دیده که به « امّ المصائب » شهرت یافته ، به این دلیل است که دختر بی بدیل امیرالمؤمنین بود .

اگر دو سرور جوانان بهشت ، یکی به سمّ جفا و دیگری به شمشیر اعداء به آن طرز فجیع به شهادت رسیدند ، به این دلیل است که فرزند دلبند این امام همام بودند .

سیری کوتاه و نگاهی گذرا به مقاتلی چون : « مقاتل الطّالبیّین » از حجم گسترده مصائب اهلبیت و حوادث خونبار تاریخ در مورد فرزندان امیرمؤمنان علیه السلام پرده برمی دارد .

مظلومیّت مضاعف

در میان فرزندان امیرمؤمنان سهم دختران ، بیش از پسران بوده ، مظلومیّت جانکاهی همه ابعاد زندگی آنها را فراگرفته ، تا جایی که گاهی وجود برخی از آنها مورد تردید قرار گرفته است .

ص: ۱۸

همواره قلم در دست دشمنان اهلبیت بود ، صاحبان زر و زور و تزویر زندگانی ستم پیشگان اموی و عباسی را تابلو کرده ، جزئیات زندگی وابسته های دستگاه خلافت را به تصویر کشیده ، سازنده ها و نوازنده های بزم شراب متوکّل ها را به صورت کتابهای دائره المعارفی درآورده اند ، ولی در مورد مادران ائمّه ، همسران ائمّه و دختران ائمّه دم فرو بسته اند .

تاریخ ولادت و وفات هیچکدام از مادران ائمّه _ به جز حضرت فاطمه _ در هیچ منبعی ثبت نشده و یا به دست ما نرسیده است .

سوگمندانه باید گفت : نه تنها در مورد مخدّرات اهلبیت اطلاعات جامعی ثبت نشده، بلکه مواردی مطالب ناهنجاری ثبت شده، داستان سرایی شده ، شبهه افکنی شده ، بر روی شبهات تأکید شده ، فرهنگ سازی شده ، ارزشها به ضدّ ارزشها مبدّل گشته است .

نگارنده با توان اندک و بضاعت مزجاه خود ، نوشتاری تحت عنوان « سرچشمه کوثر » منتشر کرده ، به شبهات رایج پیرامون حضرت خدیجه علیهاالسلام پاسخ داده است .

در سال گذشته جزوه ای به نام : « ازدواج ام کلثوم افسانه یا حقیقت ؟ » منتشر نموده ، ازدواج افسانه ای آن حضرت را نقد کرد .

و اینک سوّمین اثر در این راستا ، پیرامون اثبات وجود سوّمین دختر والامقام حضرت زهرا علیهاالسلام به دوستان و شیفتگان این خاندان تقدیم می گردد ، به این امید که تبسّمی بر لبان نازکتر از گل یوسف زهرا نقش بندد و اهل تحقیق را به کار آید .

علی اکبر مهدی پور

ص: ۱۹

بخش اوّل : حضرت سکینه در گذر تاریخ

اشاره

ص: ۲۱

آوای مظلومی گمشده در زیر آوارهای سقیفه

قهرمـان سـقیفه با تهاجم به خانه وحی تنها با یک فشار ثُلث عترت طاها را از بین برد ، آنگاه برای جلوگیری از ثبت این حادثه در صفحات تاریخ ، فرمان منع تدوین حدیث را صادر نمود .

از این رهگذر مجهولات فراوانی در زندگانی مخدّرات خاندان عصـمت و طهارت به وجود آمد ، تا جایی که تاریخ ولادت و وفات مادرانِ امامان ـ به جز حضرت فاطمه علیهاالسلام ـ در دست نیست .

در این میان سهم اختران تابناک یادگار لولاک از همه بیشتر است .

گل سرسـبد دختران حضـرت زهرا علیهاالسـلام عقیله العرب زینب کبری علیهاالسـلام است ، که با آن همه تقـدیر و تمجید در حق او از سوی امامان معصوم علیهم السلام و سهم وافرش در نهضت کربلا و خطبه های آتشین و کوبنده اش در کوفه و شام ، تاریخ زندگی اش در هاله ای از ابهام قرار دارد .

دوّمین اختر تابناک این خانـدان ، هم سـفر و هم سـنگر زینب کبری ، حضـرت ام کلثوم می باشد ، که بیش از همه مورد سـتم قرار گرفته ، تا جایی که اصل وجودش همراه با شک و تردید مطرح می گردد و اگر خطبه های آتشین او در کوفه و شام نبود و داستان ازدواج افسانه ای اش با خلیفه دوران ثبت نمی شد ، شاید نامی از این بانو در صفحات تاریخ منعکس نمی شد .(۱)

سوّمین دختر شایسته این خاندان حضرت سکینه بنت امیرمؤمنان علیه السلام ،

۱- ۱ . در مورد افسانه بودن این ازدواج : ر.ک : « ازدواج امّ کلثوم ، افسانه یا حقیقت » از نویسنده سطور .

آن چنان در زیر لگدهای معماران سقیفه پایمال گشته ، که اگر قبر شریفش در « دارَیّا » کشف نمی شد ، نام و نشانی از او حتّی در میان شیفتگان این خاندان مطرح نمی شد .

و اینک گامی لرزان به سوی بازشناسی این بانوی بزرگ .

به دنبال حلقه های مفقوده

زندگانی حضرت سکینه دخت گرامی امیرمؤمنان علیه السلام آن چنان آکنده از مجهولات است که برای اثبات اصل وجودش راهی به جز غور و بررسی در زوایای تاریک تاریخ نداریم .

برای شناگری ناتوان فرورفتن در اعماق دریای بیکران تاریخ بسیار سخت است ، ولی امیدوارم به لطف حضرت حق و عنایات حضرت ولی عصر _ ارواحنا فداه _ به دُرهای شاهواری دست یافته ، دُرهای ناسفته و سخنان ناگفته را در طبق اخلاص نهاده ، به شیفتگان شیفته و ارادتمندان پاک باخته این خاندان تقدیم کنیم .

و اینک در کتب حدیث ، تاریخ ، سیره و تراجم ، به ترتیب تسلسل زمانی ، به دنبال سر نخ هایی که اصل وجود این بانو را اثبات کند ، به سیر و بررسی می پردازیم و انشاء اللّه از لابه لای آنها مقام شامخ و شخصیّت والای این بانو را در حدّ بضاعت ناقص خود معرّفی می کنیم :

۱ . سکینه خاتون در فراخوان پدر

نخستین باری که نام نامی و یاد گرامی حضرت سکینه دختر والامقام امیرمؤمنان علیه السلام گوش جان را نوازش می دهد ، بیان زیبا و

فراخوان شیوای امیر بیان ، پیشوای پرواپیشگان ، امیرمؤمنان علیه السلام است ، که بعد از فراغت از تجهیز ، تکفین و حنوط حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام ، حضرت سکینه را همراه برادران و خواهران والامقامش برای واپسین دیدار با مادر ، بر بالین مادر فرامی خواند و می فرماید :

چون خواستم گره های کفن را ببندم ، فریاد برآوردم : ای ام کلثوم ، ای زینب ، ای سکینه ، ای فضّه ، ای حسن ، ای حسین ! بیایید و از مادرتان توشه برگیرید ، که اینک موسم فراق است و دیدار بعدی در بهشت است .(1)

متن کامل این گزارش را بعداً تقدیم می کنیم ، از این فرازی که نقل شد ، چند نکته استفاده می کنیم :

۱ . در آن تاریکی شب که بدن مطهر حضرت زهرا علیهاالسلام را غسل می دادند، در دودمان عصمت و طهارت به جز فرزندان ، اَسماء بنت عُمَیس و فضّه خادمه کسی حضور نداشت .

۲ . فضّه خادمه به قدری با حضرت زهرا علیهاالسلام نزدیک بود که مولای متقیان او را نیز همانند یکی از فرزندان آن حضرت خطاب کرده و می فرماید :

بیایید از مادرتان توشه بگیرید .

۱- ۱ . علامه مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۷۹ .

۳ . در میان فرزندان حضرتْ علاوه بر حضرت زینب و حضرت ام کلثوم دختر سوّمی به نام « سکینه » وجود داشته است .

البته « اسماء بنت عمیس » نیز در این مراسم حضور داشت ، ولی نام او در این فراخوان نیامده ، زیرا او در کنار پیکر مقدس بی بی بود و مولای متّقیان را در تغسیل و تکفین یاری می کرد ، تنها از کسانی در این فراخوان یاد شده که در اطاق دیگر در انتظار تمام شدن مراسم تکفین و تجهیز بودند .

۲ . الگوی بانوان از دیدگاه سالار شهیدان

دومین موردی که نام نامی حضرت سکینه گوش جان را نوازش می دهد، نقل سیره زیبای ایشان توسّط برادر بزرگوارش حضرت امام حسین علیه السلام است ، تا الگوی زیبایی برای همه بانوان در طول تاریخ باشد .

افتخار صفحات تاریخ ، پیشوای بی بدیل علمای شیعه در طول قرون و اعصار ، شیخ طوسی قدس سره با سلسله اسنادش ، از امام حسین علیه السلام روایت می کند که فرمود :

به محضر خواهرم « سکینه بنت علی » علیه السلام خادمی آوردند ، سرش را از او پوشانید . گفته شد که او « خادم » است .(۱)

گفت :

هُوَ رَجُلٌ ، مُنِعَ شَهْوَتُهُ ؛

ص: ۲۶

۱- ۱ . در اینجا منظور از خادم ، خواجه است ، یعنی : خادمی که خَصی شده باشد .

او مردی است که از شهوتش جلوگیری به عمل آمده است.(۱)

وجود مقدس سالار شهیدان این داستان را به عنوان قصّه سرایی نقل نمی کند ، بلکه به عنوان اینکه برای همه بانوان اسوه و الگو باشد ، از خواهر مکرّمه اش سکینه خاتون نقل می فرماید .

این حدیث صریح است در اینکه امام حسین علیه السلام خواهری به نام « سکینه » داشته و او بانوی بافضیلتی بود که امام حسین علیه السلام سیره اش را ارج نهاده ، برای الگوپذیری بانوان شیعه آن را نقل فرموده است .

آنگاه راویان حدیث و ناقلان آثار این روایت را در طول قرون و اعصار برای نسلهای بعدی روایت کرده اند .

پیشوای اهل حدیث نیز آن را در کتاب خود ثبت نموده است .

۳ . همسنگر زینب

سوّمین موردی که نام نامی و یاد گرامی حضرت سکینه زینت بخش صفحات تاریخ شده ، داستان نهضت کربلا می باشد .

حضرت سکینه دوشادوش دو خواهر گرامی دیگرش : زینب و ام کلثوم علیهماالسلام در حادثه خونبار کربلا شرکت کرده ، تا عصر عاشورا در محضر برادر و پس از آن در کنار کاروان حسینی از کربلا تا کوفه ، از کوفه تا شام و از شام تا مدینه حضور فعّال داشت .

رکن الدّین ، ابواسحاق ، ابراهیم بن محمّد شافعی اسفراینی ، متوفّای

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الأمالی ، ص ۳۶۷ ، ح ۷۸۰ (مجلس ۱۳ ، ح ۳۱) .

۴۱۸ ق . صاحب کتاب معروف « جامع الجلی والخفی فی اصول الدین والردّ علی الملحدین » که آن را در پنج مجلّد سامان داده و خود به عنوان عالم ، فقیه ، اصولی و متکلّم شناخته شده(۱) در کتاب ارزشمند خود : « نور العین فی مشهد الحسین » علیه السلام ، به تفصیل از حضور فعّال سکینه بنت امیرالمؤمنین علیه السلام در کربلا و گفت و گویش با امام حسین علیه السلام در روز عاشورا سخن گفته است ،(۲) که در بخش پنجم فرازهایی از آن تقدیم می شود .

۴ . بر اریکه حدیث

یکی از بانوان بافضیلتی که بر اریکه رفیع حدیث نشسته ، احادیث اهلبیت را از سرچشمه زلال آن دریافت کرده به نسل های بعدی منتقل نموده ، حضرت سکینه بنت امیرمؤمنان علیه السلام است .

برخی از احادیثِ او را طبری امامی با سلسله اسنادش از امام سجاد علیه السلام روایت کرده است .

علاوه بر طبری معروف ، صاحب تاریخ طبری ، سه تن از علمای بزرگ شیعه با او همنام بودند ، که یکی از آنها معاصر صاحب تاریخ ، دیگری مقدّم بر او و سومی متأخّر از او بود .

ابوجعفر ، محمّد بن جریر بن رستم طبری ، معاصر شیخ طوسی در نام ، نام پدر ، کنیه و لقب با طبری معروف مشترک می باشد ، فقط در نام جدّ با او فرق می کند که نام جدّ او « رستم » و نام جدّ طبری معروف « یزید » می باشد .

۱- ۱ . کحّاله ، معجم المؤلّفین ، ج ۱ ، ص ۸۳ .

۲- ۲ . اسفراینی ، نور العین ، ص ۷ _ ۱۵ .

از این رهگذر برای اینکه با او اشتباه نشود به او « طبری امامی » می گویند.

طبری امامی با سلسله اسنادش از امام سجاد علیه السلام روایت کرده که ایشان از دو عمّه بزرگوارش : سکینه و زینب ، دختران علی علیه السلام ، از حضرت علی علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

إِنَّ فاطِمَه خُلِقَتْ حُورِیَّهً فی صُورَهٍ اِنْسِیَّهٍ ، وَإِنَّ بَناتَ الْاَءَنْبِیاءِ لا تَحِضْنَ ؛

فاطمه در آفرینش حوریه ای است که به صورت انسیّه آفریده شده و دختران پیامبران عادت ماهانه نمی شوند .(۱)

بسیار جالب توجّه است که امام زین العابدین علیه السلام این حدیث را از حضرت سکینه و حضرت زینب علیهماالسلام روایت فرموده اند .

از این حدیث شریف چند نکته استفاده می شود :

۱ . حضرت سکینه از تبار محدّثان و به عنوانِ یک بانوی « محدِّثه » می باشد .

۲ . حجّت خدا حضرت سجاد علیه السلام به عمّه بزرگوارش اعتماد کرده ، حدیثی را از او روایت نموده است .

۳ . حضرت سکینه از موقعیّتی برخوردار است که امام زین العابدین علیه السلام با وجود حضرت زینب علیهاالسلام در سلسله راویان این حدیث شریف ، از

۱- ۱ . طبری ، دلائل الامامه ، ص ۱۴۶ ، ح ۵۲ .

حضرت سکینه نیز نام برده است . و این برای اثبات موقعیّت خاص این بانو کفایت می کند .

۵ . از تبار محدّثان

صدها نفر از بانوان صحابی و تابعی از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله حدیث نقل کرده اند و در زمره محدّثان قرار گرفته اند .

به هنگام تدوین کتب حدیثی سعی بر این بود که حتّی الامکان از مخدّرات اهلبیت چیزی روایت نشود ، با یک مقایسه سر انگشتی صحّت این سخن آشکار می شود .

تعداد روایاتی که از عایشه در کتب حدیثی نقل شده چندین هزار برابر احادیثی است که از حضرت فاطمه علیهاالسلام روایت شده است ، در حالی که او یکی از نُه همسر پیامبر بود و از هر نُه شب یک شب در خدمت پیامبر بود ، ولی حضرت فاطمه علیهاالسلام شب و روز در محضر پیامبر اکرم بود ، عدالت و وثاقتش نیز در آیه تطهیر آمده بود .

ولی نقش سکینه بنت امیرمؤمنان در حدّی بود که سیره نویسان و تراجم نگاران اهل سنت نیز او را در زمره محدّثان آورده اند ، که به دو عنوان از منابع بسیار محکم و متقن از قرن سوم و چهارم هجری بسنده می کنیم :

۱ . ابوعبداللّه ، اسماعیل بن ابراهیم بخاری ، متوفّای ۲۵۶ ق . صاحب کتاب معروف « صحیح بخاری » در تاریخ کبیر خود در ضمن شرح حال : « ابوالعلاء ، سالم ، مولی ابراهیم طائی » می نویسد :

سالم ابوالعلاء ، مولی ابراهیم الطّائی ، از ابوصالح استماع کرده ، او نیز از « سکینه بنت علی » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (۱).

بر این اساس بخاری از حضرت سکینه دخت امیرمؤمنان علیه السلام به عنوان یکی از بانوان محدّثه نام برده و تصریح کرده که وی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است .

در اینجا احتمال این معنی هست که حضرت سکینه توسط پدر یا مادرش از آن حضرت روایت کرده باشد ، ولی از ظاهر عبارت روایت بدون واسطه استفاده می شود .

این سخن شاهد دیگری است بر اینکه حضرت سکینه دخت گرامی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام می باشد ، زیرا تا حضرت فاطمه زنده بود امیرمؤمنان علیه السلام همسر دیگری نداشت .

۲ . شیخ الاسلام ، ابومحمّد ، عبدالرّحمن بن ابی حاتم رازی ، متوفّای ۳۲۷ ق . نیز در شرح حال سالم ابوالعلاء همان تعبیر بخاری را آورده است .(۲)

روی این بیان سکینه بنت امیرمؤمنان علیه السلام در قرنهای سوّم و چهارم به عنوان یکی از محدِّثه ها در کتب سیره و تراجم مطرح بود .

۶. جمال بی مثال

در میان بانوان جهان اسلام زیباترین بانو حضرت خدیجه بود ، که

۱- ۱ . بخاری ، التاریخ الکبیر ، ج ۴ ، ص ۱۱۱ ، رقم ۲۱۳۷ .

۲- ۲ . رازی ، الجرح و التّعدیل ، ج ۴ ، ص ۱۹۱ ، رقم ۸۲۲ .

حضرت زهرا علیهاالسلام این زیبایی را از مادر به ارث برده بود .

انس بن مالک از مادرش خواست که جمال بی مثال حضرت فاطمه علیهاالسلام را برای او بیان کند ، مادرش گفت :

او شبیه ترین مردمان به پیامبر اکرم بود ، رنگ مبارکش سفید و چهره اش گلناری بود ، گیسوانش مشکی بود و صورتش چون ماه چهارده شبه می درخشید ، گویی خورشید فروزانی بود که در کنار ابر قرار گرفته باشد.(۱)

از عبداللّه ظاهر ، فرزند حسن مثنّی پرسیدند : این درخشندگی دندانهای امام صادق علیه السلام از کجاست ؟

وی در پاسخ گفت : من نمی دانم ، فقط می دانم که حضرت خدیجه اینگونه بود ، حضرت فاطمه نیز این چنین بود .(۲)

در میان دختران حضرت فاطمه این ویژگی را حضرت سکینه از آن حضرت به ارث برده بود .

ابومحمّد ، عبداللّه بن مسلم بن قتیبه دینوری ، متوفّای ۲۷۶ ق . در کتاب معروفش « المعارف » می نویسد :

الطُّرَّهُ السَّکینِیَّهِ ،

هِیَ تُنْسَبُ إِلی سَکینَهَ بِنْتِ عَلِیِّ بْنِ أَبیطالِبٍ علیه السلام ؛

« طُرَّه سکینه ای » به سکینه دختر امیرمؤمنان علیه السلام منسوب

ص: ۳۲

۱- ۱ . طبری ، دلائل الامامه ، ص ۱۵۰ ، ح ۶۳ .
۲- ۲ . همان ، ص ۱۵۱ ، ح ۶۴ .

می باشد .(۱)

ابن فارس پیشتاز ارباب لغت در ریشه یابی واژه ها « طرّه » را به معنای صورت زیبا ، شمایل نیکو ، اندام متناسب ، شمشیر جلا داده شده و هر شی ء زیبا گفته است .(۲)

از اینکه شمایل حضرت سکینه پس از دو قرن به عنوان مَثَل مطرح بوده ، حکایت از آن دارد که او در جمال و کمال آیینه تمام نمای مادرش حضرت فاطمه علیهاالسلام بود .

۷ . مرقد مطهر حضرت سکینه

مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی ، متوفّای بعد از ۱۳۰۸ ق . در کتاب ارزشمند خود « نور الأبصار » اقوال مختلف را پیرامون مرقد مطهر حضرت سکینه بنت الحسین علیه السلام آورده ، از عبدالرحمن اجهوری(۳) نقل کرده که وی در کتاب « مشارق الانوار » گفته است :

بیشتر سیره نویسان معتقدند که سکینه دختر امام حسین علیه السلام در مدینه وفات کرده است .

آنگاه از طبقات شعرانی نقل کرده که ایشان در مراغه(۴) در نزدیکی

۱- ۱ . ابن قتیبه ، المعارف ، ص ۶۱۹ .
۲- ۲ . ابن فارس ، معجم مقاییس اللغه ، ج ۳ ، ص ۴۰۹ .
۳- ۳ . عبدالرّحمن بن حسن بن عمر أجهوری مالکی ، متوفّای ۱۱۹۷ ق . صاحب کتاب « مشارق الأنوار فی آل بیت نبیّ الأخیار » [بغدادی ، ایضاح المکنون ، ج ۲ ، ص ۴۸۳] .
۴- ۴ . مراغه نام قصبه ای در نواحی قاهره در بخش جرجا ، در ده کیلومتری جنوب شرقی « طهطا » واقع است [شمس الدین سامی ، قاموس الأعلام ، ج ۶ ، ص ۴۲۵۶] .

حرم سیّده نفیسه در قاهره مدفون است .

سپس از اجهوری نقل می کند که « شعرانی »(۱) در منن خود(۲) گفته است :

این حضرت سکینه ، سکینه خواهر امام حسین علیه السلام است ، نه سکینه دختر آن حضرت .(۳)

عبدالوهّاب شعرانی شخصیّت کم نظیر قرن دهم که بیش از ۳۰۰ جلد اثر تحقیقی از خود به یادگار نهاده ، به وجود حضرت سکینه دختر امیرمؤمنان علیه السلام اعتراف داشته و قبر موجود در نواحی قاهره را به ایشان منتسب دانسته است .

این بود سیری کوتاه در منابع حدیثی ، تاریخی ، سیره و تراجم ، که از مجموع آنها اطمینان حاصل می شود که امیرمؤمنان علیه السلام علاوه بر حضرت زینب و حضرت ام کلثوم دختر دیگری به نام حضرت سکینه داشته است .

۱- ۱ . شعرانی ، عبدالوهّاب بن احمد شافعی ، متوفّای ۹۷۳ ق .
۲- ۲ . منظور از « منن » کتاب : لطائف المنن والاخلاق شعرانی است ، که به عنوان : « المنن الکبری » مشهور شده است . [سرکیس ، معجم المطبوعات العربیه والمعرّبه ، ج ۱ ، ص ۱۱۳۲] .
۳- ۳ . شبلنجی ، نور الأبصار ، ص ۲۷۰ .

بخش دوّم : تعداد دختران نیک اختر فاطمه اطهر

اشاره

ص: ۳۵

آیا حضرت فاطمه علیهاالسلام دختری به نام سکینه داشت ؟

در غالب کتابهای تاریخ ، سیره ، تراجم ، نسب و مقتل برای حضرت فاطمه علیهاالسلام دو اختر تابناک به نام حضرت زینب و حضرت امّ کلثوم ثبت شده و تقریباً در هیچ منبعی دختر سوّمی به نام سکینه ثبت نشده است .

در تعدادی از منابع مورد اعتماد و استناد برای حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام سه دختر ثبت شده ، جز اینکه یا از آنها نام برده نشده و یا از سوّمی به عنوانِ : « رقیّه » یاد شده است و اینک به تعدادی از این منابع اشاره می کنیم :

۱ . احمد بن ابی یعقوب ، مشهور به ابن واضح یعقوبی مقدّمِ ارباب تاریخ ، متوفّای حدود ۲۹۲ ق . چهارده تن از پسران امیرمؤمنان علیه السلام را نام می برد ، سپس می نویسد :

برای آن حضرت ۱۸ دختر بود که سه تن از آنها از حضرت فاطمه ، بقیه از دیگر همسران و کنیزان بود .(۱)

اگرچه یعقوبی نام دختران حضرت زهرا علیهاالسلام را ثبت نکرده ، ولی همین که به صراحت گفته سه تن از آنها از حضرت فاطمه بود ، بسیار ارزشمند است ، زیرا اوّلاً یعقوبی پیشتاز همه مورّخان است ، ثانیاً از دقّت نظر خاصّی برخوردار بود .

۲ . اَسماء بنت عُمَیس به هنگام گزارش آخرین لحظات حضرت

۱- ۱ . ابن واضح ، تاریخ یعقوبی ، ج ۲ ، ص ۲۰۳ .

فاطمه علیهاالسلام روایت می کند که از من آب خواست ، خود را شستشو داد ، جامه های نو خواست ، آنها را پوشید ، بقیّه حنوط پیامبر اکرم را طلبید و در زیر بالش خود قرار داد ، سپس فرمود : از نزد من بیرون شو ، که می خواهم با خدای خود مناجات کنم .

اسماء می گوید : من بیرون رفتم مشغول مناجات شد ، پس وارد شدم ، متوجّه ورود من نشد ، دیدم که دست های مبارکش را به سوی آسمان برافراشته عرضه می دارد :

خدایا ، ترا می خوانم به حق محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و اشتیاقش به من ، و به حق شوهرم علی مرتضی علیه السلام و اندوهش بر من ، و به حسن مجتبی و گریه هایش بر من، و به حق حسین شهید و حزنش بر من ، و به حق دخترانِ فاطمی ام و غم و اندوهشان بر من ، که بر گنهکاران از امّت پدرم ترحّم کنی و آنها را بیامرزی و وارد بهشت کنی ، که تو بهترین مسئولین و مهربان ترین مهربانان هستی .(۱)

جالب توجّه است که در اینجا تعبیر حضرت فاطمه علیهاالسلام : « بَناتِیَ الْفاطِمِیّاتِ » صریح است در اینکه دختران آن حضرت بیش از دو تن بودند ، زیرا در عربی صیغه تثنیه داریم ، اگر دو نفر بودند می فرمود : « بِنْتَیَّ الْفاطِمِیَّتَیْنِ » یعنی : دو دختر فاطمی ام ، نمی فرمود : دختران فاطمی ام .

۳ . ابوبِشر ، محمّد بن احمد انصاری دولابی ، متوفّای ۳۱۰ ق . با

۱- ۱ . همدانی ، فاطمه الزّهراء بهجه قلب المصطفی ، ص ۵۷۶ .

سلسله اسنادش از « لیث بن سعد »(۱) روایت می کند که گفت :

علی بن ابی طالب علیه السلام با فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج نمود ، پس حضرت فاطمه برای او : حسن ، حسین ، زینب ، امّ کلثوم و رقیّه را آورد ، که رقیّه پیش از بلوغ وفات کرد .(۲)

دولابی اگرچه از دختر سوم به عنوان « رقیّه » نام برده ، ولی تصریح او به اینکه حضرت فاطمه سه دختر داشت، از اهمیّت خاصی برخوردار می باشد.

۴ . حافظ محبّ الدّین احمد بن عبداللّه طبری ، متوفّای ۶۹۴ ق . عین تعبیر دولابی را از لیث بن سعد آورده است .(۳)

۵ . حافظ محمّد بن معتمدخان بدخشانی ، متوفّای بعد از ۱۱۲۶ ق . در شمار اولاد حضرت فاطمه علیهاالسلام می نویسد :

دو دختر : زینب و امّ کلثوم .

لیث بن سعد گوید : و دختر سوم رقیه نام دارد ، که در کودکی در گذشت .(۴)

این مضمون از ده ها تن دیگر نقل شده ، که از آن جمله است :

۶ . محبّ الدّین بن نجّار ، در الدّرّه الثّمینه فی أخبار المدینه .

۱- ۱ . ابوالحارث ، لیث بن سعد مصری ، متوفّای ۱۵۷ ق . از نظر وثاقت و دقّت نظر مورد اتّفاق رجالیّون است [ابن حجر ، تهذیب التّهذیب ، ج ۴ ، ص ۶۰۹] .
۲- ۲ . دولابی ، الذریه الطاهره ، ص ۹۲ ، ح ۸۲ .
۳- ۳ . محبّ الدّین طبری ، ذخائر العقبی ، ج ۱ ، ص ۲۲۹ .
۴- ۴ . بدخشانی ، نزل الابرار ، ص ۱۳۷ .

۷ . سید رفاعی ، در نور الأنوار ، ص ۵ .

۸ . شیروانی ، در مناقب اهل البیت ، ص ۲۳۱ .

۹ . کردی ، در رفع الخفاء ، ج ۲ ، ص ۱۸ .

۱۰ . علوی ، در تاریخ الحوادث و الأحوال النّبویّه ، ص ۱۹ .

۱۱ . صاحب اتحاف اهل الاسلام ، ص ۳۵ .

۱۲ . سید محمّد صنعانی یمنی ، متوفّای ۱۱۸۲ ق . این متن را در شرح خود بر بلوغ المرام ابن حجر ، از ابن عباس روایت کرده است .(۱)

از بررسی مطالب یاد شده چند نکته به دست می آید :

۱ . حضرت فاطمه علیهاالسلام در واپسین مناجات خود ، خدا را به حقّ دخترانش سوگند می دهد و از آنها با صیغه جمع تعبیر می کند .

۲ . یعقوبی ، مقدَّمِ تاریخ نویسان دختران امیرمؤمنان علیه السلام را از حضرت فاطمه علیهاالسلام سه تن دانسته ، جز اینکه از آنها نام نبرده است .

۳ . در ۱۰ منبع یاد شده تصریح شده به اینکه دختران حضرت زهرا علیهاالسلام سه تن بوده اند و سوّمی آنها رقیه نام داشته است .

۴ . در غالب منابع یاد شده این سخن از « لیث بن سعد » نقل شده است .

۵ . لیث بن سعد از محدثان قرن دوم بود ، به سال ۱۵۷ ق . در گذشته و مورد توثیق همه رجالیون می باشد .(۲)

۶ . صنعانی آن را به نقل از ابن عباس ثبت کرده است .

۷ . انحصار دختران حضرت فاطمه به حضرت زینب و حضرت

۱- ۱ . صنعانی ، سبل السّلام فی شرح بلوغ المرام ، ج ۳ ، ص ۱۴۹ ، به نقل احقاق الحقّ ، ج ۳۳ ، ص ۳۴۰ .
۲- ۲ . ابن حجر ، تهذیب التّهذیب ، ج ۴ ، ص ۶۰۹ .

ام کلثوم قطعی نیست ، بلکه در بیش از ده منبع یاد شده ، تعداد آنها سه تن ثبت شده است .

دختر سوّم سکینه است یا رقیّه ؟

تنها مشکلی که در اینجا با آن روبرو هستیم این است که ما درصدد اثبات دختری به نام سکینه هستیم ، در حالی که در این منابع این دختر به نام رقیّه ثبت شده است .

این مشکل به چند طریق قابل حلّ است :

۱ . در میان مخدّرات اهلبیت نمونه هایی سراغ داریم که دو نام داشتند و فقط به یک نام خوانده می شدند ، مثل سکینه دختر امام حسین علیه السلام که آمنه نام داشت ، ولی او را سکینه می خواندند .

احتمال دارد که سکینه بنت امیرمؤمنان علیه السلام نیز رقیّه نام داشته باشد ، ولی به سکینه شهرت پیدا کند .

۲ . برخی از علمای انساب نام دختران حضرت فاطمه علیهاالسلام را زینب و رقیّه ثبت کرده اند.(۱) و برخی از محدّثان ام کلثوم را کنیه رقیه دانسته اند.(۲)

روی این بیان ممکن است منظور از رقیّه ، امّ کلثوم و منظور از امّ کلثوم همان سکینه باشد .

۳ . برخی معتقدند که حضرت علی علیه السلام دو دختر به نام رقیّه داشت ، یکی رقیّه کبری ، که مادرش حضرت فاطمه بود ، دیگری رقیّه صغری ، که مادرش امّ حبیب بود .(۳)

۱- ۱ . عمری ، المجدی ، ص ۱۱ .
۲- ۲ . قندوزی ، ینابیع المودّه ، ج ۲ ، ص ۱۴۲ وج ۳ ، ص ۱۴۷ .
۳- ۳ . شبلنجی ، نور الأبصار ، ص ۳۵ .

روی این بیان احتمال این معنی هست که سوّمین دختر حضرت فاطمه را به نام « رقیّه » فرزند خوانده حضرت خدیجه ، رقیّه نامیده باشند ، ولی سکینه صدا کنند ، چنانکه در مورد سکینه بنت الحسین اتّفاق افتاد ، که او را به یاد آمنه مادر پیامبر آمنه نام نهادند ، ولی سکینه صدا کردند .

۴ . شبلنجی می نویسد :

برخی از اهل شام به من خبر دادند که برای رقیه دختر علی علیه السلام ضریحی در دمشق _ شام _ موجود است ، دیوارهای قبر آسیب دیده بود ، خواستند که حضرت رقیه را بیرون آورده لحد را تعمیر کنند ، کسی جرأت نکرد که وارد قبر شود ، یک نفر از سادات به نام : سیّد پسر مرتضی وارد قبر شده ، پیکر رقیه را در پارچه ای پیچیده بیرون آورد ، پس او دختری بود که به سنّ بلوغ نرسیده بود .

این داستان را به برخی از فضلا نقل کردم ، گفت که آن را از استادش شنیده است .(۱)

سپس شبلنجی می افزاید :

تاریخ نویسان برای حضرت علی علیه السلام تنها یک دختر به نام رقیّه ثبت کرده اند که مادرش حضرت فاطمه نیست ، ولی لیث بن سعد آن را از حضرت فاطمه دانسته است .

۱- ۱ . همان ، ص ۲۷۱ .

ولی بعداً دیدم که برخی از سیره نویسان برای حضرت علی دو دختر به نام رقیّه ثبت کرده اند :

۱) رقیّه کبری ، از حضرت فاطمه

۲) رقیّه صغری ، از امّ حبیب

آنگاه کرامتی برای حضرت رقیّه بنت علی علیه السلام از أجهوری نقل کرده است .(۱)

۱- ۱ . همان .

بخش سوّم : محدّثه آل طاه_ا

اشاره

ص: ۴۵

جایگاه حدیث در اسلام

پیش از اسلام تحصیل دانش در انحصار اشراف زادگان بود و طبقات دیگر از این نعمت الهی محروم بودند ، آیین مقدس اسلام که با « إِقْرَأْ » آغاز شد و « نآ وَ الْقَلَمِ » را در سر لوحه فراخوان خود قرار داد ، طلب دانش را بر هر مرد و زن مسلمان واجب کرد و آوایِ :

طَلَبُ الْعِلْمِ فَريضَةٌ عَلی کُلِّ مُسْلِمٍ ؛

کسب دانش بر هر مسلمانی فریضه است ،(۱)

را در هر کوی و برزن سر داد .

به این نیز بسنده نکرده ، فرهنگ اجباری را تشریع کرده فرمود :

لَوَدَدْتُ أَنَّ أَصْحابی ضُرِبَتْ رُؤُسُهُمْ بِالسِّیاطِ حَتّی یَتَفَقَّهُوا ؛

دوست دارم بر سر یارانم با تازیانه نواخته شود تا فقه بیاموزند.(۲)

بسیار لطیف است که به روخوانی بسنده نکرده ، به آموزش در حدّ فقاهت تأکید فرموده است .

آنگاه در میان رشته های مختلف علوم اسلامی علم حدیث جایگاه

۱- ۱ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۰ .

۲- ۲ . همان ، ص ۳۱ .

خاصّی دارد و تأکید فراوان بر آن شده است .

پیامبر گرامی اسلام در خطبه تاریخی خود در مسجد خیف در « مِنی » فرمود :

نَضَّرَ اللّه ُعَبْداً سَمِعَ مَقالَتی فَوَعاها ، وَبَلَّغَها مَنْ لَمْ تَبْلُغْهُ ؛

خداوند نورانی گرداند کسی را که گفتار مرا بشنود ، آن را خوب بفهمد ، سپس آن را به کسانی که نرسیده است برساند .(۱)

رئیس مذهب امام جعفر صادق علیه السلام در مقام بیانِ میزان ارزیابی منزلت مردم می فرماید :

اِعْرِفُوا مَنازِلَ النّاسِ عَلی قَدْرِ رِوایَتِهِمْ عَنّا ؛

منزلت مردمان را با مقدار روایتشان از ما بشناسید .(۲)

احادیث وارده در فضیلت و منقبت راویان حدیث به قدری زیاد است ، که تعداد **۳۳۴** حدیث از آنها را خطیب بغدادی در کتابی گرد آورده و آن را « شرف اصحاب الحدیث » نام نهاده است .(۳)

در جایگاه رفیع و منزلت والای حدیث این بس که در مورد یکی از

۱- ۱ . همان ، ص ۴۰۳ .

۲- ۲ . همان ، ص ۵۰ .

۳- ۳ . خطیب بغدادی ، شرف اصحاب الحدیث ، چاپ دانشکده الهیات دانشگاه آنکارا ، ۱۹۷۱ م .

محدّثان صدر اسلام نوشته اند :

هنگامی که دانش پژوهان بر درِ خانه اش گرد می آمدند ، بیرون می شد و می پرسید : آیا برای کتابت حدیث آمده اید یا پرسشهای دیگری دارید ؟

اگر می گفتند : برای سؤالات دیگر آمده ایم ، برای پاسخ گویی حضور می یافت و اگر می گفتند برای حدیث آمده ایم ، برمی گشت ، غسل می کرد ، لباس نو می پوشید ، عمامه بر سر می نهاد و عبا بر دوش می انداخت ، آنگاه بر کرسی تدریس می نشست و حدیث می گفت .(۱)

بانوان محدِّثه در صدر اسلام

در پرتو تشویق های مکرّر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به موازات اصحاب ، بانوان بافضیلت فراوان به محضر مقدّس آن حضرت می شتافتند و از آن حضرت حدیث دریافت می کردند و به نسل های بعدی منتقل می ساختند .

از این رهگذر سیره نویسان و تراجم نگاران در پایان کتاب های سیره و تراجم خود بخش مستقلّی را به بانوان اختصاص داده اند ، که از آن جمله است :

۱ . ابوعمر ، یوسف بن عبداللّه بن محمّد بن عبدالبرّ قرطبی ، متوفّای ۴۶۳ ق . که بیوگرافی ۴۰۷ تن از بانوان صحابی را آورده است .(۲)

۲ . عزّ الدّین ابوالحسن ، علی بن أبی الکرم ، مشهور به « إبن أثیر » متوفّای ۶۳۰ ق . که نزدیک به یک هزار بانوی صحابی را معرّفی کرده است.(۳)

۱- ۱ . شبراوی ، الاتّحاف بحبّ الاشراف ، ص ۳۴ .

۲- ۲ . ابن عبدالبرّ ، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب ، ج ۴ ، ص ۳۴۲ _ ۵۲۰ .

۳- ۳ . ابن اثیر ، اُسدُ الغابَه فی معرفه الصّحابه ، ج ۵ ، ص ۳۸۹ _ ۶۴۲ .

۳ . شهاب الدّین ابوالفضل ، احمد بن علی بن محمّد ، مشهور به « ابن حجر عسقلانی » تعداد ۱۵۴۵ نفر از صحابیّات را برشمرده است .(۱)

محدِّثه آل طه

نام نامی و یاد گرامی حضرت سکینه دختر امیرمؤمنان علیه السلام با خطوط زرّین بر تارک بانوان محدِّثه ثبت است .

به طوری که در بخش نخست اشاره شد ، بخاری ، صاحب صحیح بخاری ، متوفّای ۲۵۶ ق . در شرح حال « ابوالعلاء سالم » می نویسد :

ابوالعلاء ، سالم ، مولی ابراهیم طائی ، از ابوصالح ، از « سکینه دخت علی علیه السلام » ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است .(۲)

شیخ الاسلام رازی ، متوفّای ۳۲۷ ق . نیز عین همان تعبیر را در کتاب خود آورده است .(۳)

روی این بیان حضرت سکینه در قرن سوم و چهارم به عنوان یک بانوی محدِّثه مطرح بود و دو تن از شخصیت های برجسته رجال از او یاد کرده اند .

۱- ۱ . ابن حجر ، الإصابه فی تمییز الصّحابه ، ج ۸ ، ص ۲ _ ۲۹۱ .

۲- ۲ . بخاری ، التاریخ الکبیر ، ج ۴ ، ص ۱۱۱ .

۳- ۳ . رازی ، الجرح و التّعدیل ، ج ۴ ، ص ۱۹۱ ، رقم ۸۲۲ .

مشایخ حضرت سکینه

اشاره

در منابع رجالی و حدیثی از دو نفر به عنوان مشایخ این بانوی مکرَّمه یاد شده است :

۱ . رسول اکرم صلی الله علیه و آله

بخاری و رازی در تعبیری که از آنها نقل شد ، تصریح کرده اند که وی از جدّ بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است ، جز اینکه متن این حدیث در دست ما نیست و نقل بی واسطه حضرت سکینه از پیامبر اکرم بعید به نظر می رسد .

ما تصوّر می کنیم که روایت حضرت سکینه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله با واسطه باشد ، یعنی به وسیله پدر بزرگوار و یا مادر گرامی اش باشد ، ولی چون نام واسطه در نقل بخاری و رازی ذکر نشده، آن را « مُرْسَلَه » می نامند.(۱)

۲ . امیر مؤمنان علیه السلام

روایت حضرت سکینه از پدر بزرگوارش در فضایل مادرش حضرت فاطمه علیهاالسلام در کتاب طبری موجود است و متن کامل آن در همین بخش خواهد آمد .

راویان از حضرت سکینه

اشاره

۱- ۱ . حدیث مُرسَل ـ بالمعنی الخاصّ ـ به حدیثی گفته می شود که آن را تابعی بدون ذکر واسطه از پیامبر روایت کرده باشد . [علامه مامقانی ، مقباس الهدایه ، ج ۱ ، ص ۳۴۰] .

ما در کتب حدیثی و رجالی تنها سه تن پیدا کردیم که از حضرت سکینه روایت کرده اند و آنها عبارتند از :

۱ . امام حسین علیه السلام

سخن حضرت سکینه در مورد لزوم پوشش زن از خواجگان را سالار شهیدان امام حسین علیه السلام از ایشان روایت کرده ، که متن آن تقدیم خواهد شد .

۲ . امام زین العابدین علیه السلام

حدیث مربوط به خلقت نورانی حضرت فاطمه علیهاالسلام را امام سجاد علیه السلام از آن بانوی مکرمه روایت می کند که متن آن تقدیم می گردد .

۳ . ابوصالح

بخاری و رازی از محدّثی به نام « ابوصالح » یاد کرده اند که از حضرت سکینه روایت کرده است، با توجّه به اینکه تعدادی از اصحاب به « ابوصالح » مکنّی می باشند ، تشخیص آن برای ما ممکن نشد ، ولی احتمال می دهیم که منظور از این ابوصالح : « ابوصالح مولی امّ هانی » باشد ، که او را امّ هانی ــ خواهر امیرمؤمنان علیه السلام ــ خریده و آزاد کرده است و او گاه و بیگاه به رسم وفا به خدمت امّ هانی شرفیاب می شد و احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه امّ هانی و در مورد وی استماع کرده و روایت نموده است .(۱)

بر این اساس احتمال می رود که به جهت رفت و آمدش به محضر امّ هانی

ص: ۵۲

۱- ۱ . ابن اثیر ، اسدالغابه ، ج ۵ ، ص ۲۲۸ .

با حضرت سکینه نیز دیدار کرده و احادیثی از ایشان استماع کرده باشد .

احتمال قوی تر اینکه حضرت سکینه خود غلام آزاد شده ای به نام « ابوصالح » داشته باشد و از وی روایت کرده باشد .

مستند این احتمال گفتار ابن حجر عسقلانی است که از سکینه ای به عنوان یکی از بانوان محدِّثه نام می برد و می گوید :

غلام آزاد شده اش « ابوصالح » از او روایت کرده است .

آنگاه از ابن منده نقل کرده که حدیث این سکینه را سلیمان بن عبدالرّحمن ، از حکم بن یعلی ، از کامل ابوالعلاء ، از ابوصالح روایت کرده است .(۱)

احادیث سکینه بنت علی علیه السلام

۱ . شیخ طوسی ، ابوجعفر محمّد بن الحسن ، متوفّای ۴۶۰ ق . روایت می کند :

از ابوالفتح ، هلال بن محمّد بن جعفر حفّار ؛

از ابوالقاسم ، اسماعیل بن علی بن علی دعبلی ؛

از ابوالحسن ، علی بن علی بن رزین بن عثمان بن عبدالرّحمن بن عبداللّه بن بدیل بن ورقا ــ برادر دعبل خُزاعی ــ در بغداد ، به سال ۲۷۲ ق . ؛

از حضرت امام رضا علیه السلام ؛

۱- ۱ . ابن حجر ، الإصابه ، ج ۸ ، ص ۱۰۸ ، رقم ۵۴۵ .

از حضرت حسین بن علی علیه السلام ، که فرمود :

اُدْخِلَ عَلی اُخْتی سَکینَهَ بِنْتِ عَلِیٍّ علیه السلام خادِمٌ فَغَطَّتْ رَأْسَها مِنْهُ ، فَقیلَ لَها :

إِنَّهُ خادِمٌ ، قالَتْ :

هُوَ رَجُلٌ ، مُنِعَ شَهْوَتُهُ ؛

به خدمت خواهرم سکینه دختر علی علیه السلام خادمی آوردند ،

پس سرش را از او پوشانید .

به او گفتند : که او خادم است (یعنی : خواجه است) .

گفت : آری او خادم است ، ولی او مردی است که از شهوتش جلوگیری به عمل آمده است .(1)

این حدیث را بسیاری از محدّثان به نقل از کتاب « امالی » شیخ طوسی روایت کرده اند ، که از آن جمله است :

۱) شیخ حرّ عاملی ، متوفّای ۱۱۰۴ ق .(2)

۲) علامه مجلسی ، متوفّای ۱۱۱۰ ق .(3)

۳) آیه اللّه بروجردی ، متوفّای ۱۳۸۰ ق .(4)

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الأمالی ، ص ۳۶۷ ، ح ۷۸۰ ؛ م ۱۳ ، ح ۳۱ .
۲- ۲ . شیخ حرّ ، وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۲۷ .
۳- ۳ . مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۱۰۱ ، ص ۴۵ .
۴- ۴ . بروجردی ، جامع احادیث الشّیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۹۴ .

۴) هیئت تحریریّه مرکز تحقیقاتی باقرالعلوم .(۱)

۵) شهید سید حسن شیرازی ، مستشهد ۱۴۰۰ ق .(۲)

مرحوم نمازی آن را به « علل الشّرایع » نسبت داده(۳) ظاهراً اشتباه است .

نقل این سخن توسّط سالار شهیدان دلیل موقعیّت علمی و شخصیّت اجتماعی حضرت سکینه می باشد ، زیرا امام حسین علیه السلام که خود حجّت خداست نیازی ندارد که یک حکم فقهی را از خواهرش نقل کند .

درج این حدیث در منابع حدیثی از سوی رجال برجسته ای چون : شیخ طوسی ، شیخ حرّ عاملی ، علامه مجلسی و آیه اللّه بروجردی ، دلالت ضمنی بر اعتراف آنها به وجود حضرت سکینه دختر امیرمؤمنان علیه السلام دارد ، زیرا اگر اعتراض داشتند نقل نمی کردند و یا تعلیقه می زدند .

* * *

۲ . ابوجعفر ، محمّد بن جریر بن رستم ، مشهور به : « طبری امامی » معاصر شیخ طوسی روایت کرده :

از ابوعبداللّه ، حسین بن ابراهیم بن علی بن عیسی ، مشهور به : « ابن خیّاط قمی » ؛

از ابوالحسن ، علی بن محمّد بن جعفر عسکری ؛

از ابومحمّد صعصعه بن سیاب بن ناجیه ؛

از زید بن موسی بن جعفر علیه السلام ؛

ص: ۵۵

۱- ۱ . موسوعه کلمات الإمام الحسین ، ص ۷۱۴ (چاپ مترجَم ، ص ۷۹۲) .

۲- ۲ . شیرازی ، کلمه الامام الحسین ، ص ۱۵۵ .

۳- ۳ . نمازی ، مستدرک سفینه ، ج ۷ ، ص ۳۸۴ .

از پدرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ؛

از پدرش امام جعفر صادق علیه السلام ؛

از عمویش زید بن علی علیه السلام ؛

از پدرش امام زین العابدین علیه السلام ؛

از حضرت سکینه و حضرت زینب ، دختران علی علیه السلام ؛

از علی علیه السلام ؛

از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود :

إِنَّ فاطِمَهَ خُلِقَتْ حُورِیَّهً فی صُورَهٍ اِنْسِیَّهٍ وَإِنَّ بَناتِ الْاَءَنْبِیاءِ لا یَحِضْنَ ؛

فاطمه حوریّه ای به صورت انسیّه آفریده شده ، و دختران پیامبران عادت ماهانه نمی بینند .(۱)

این حدیث را بسیاری از محدّثان از طبری امامی روایت کرده اند ، که از آن جمله است :

۱) علاّمه مجلسی ، متوفّای ۱۱۱۰ ق .(۲)

۲) محدّث نوری ، متوفّای ۱۳۲۰ ق .(۳)

۳) تستری ، متوفّای ۱۴۱۵ ق .(۴)

۱- ۱ . طبری ، دلائل الامامه ، ص ۱۴۶ ، ح ۵۲ .
۲- ۲ . مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۸۱ ، ص ۱۱۲ .
۳- ۳ . نوری ، مستدرک وسائل ، ج ۲ ، ص ۳۷ .
۴- ۴ . تستری ، تواریخ النّبی والآل ، ص ۱۱۷ .

۴) مرحوم نمازی ، متوفّای ۱۴۰۵ ق .(۱)

در این حدیث روایت امام جعفر صادق علیه السلام از عمویش زید بن علی برای اظهار ارج و منزلت زید و نقل حدیث از سوی امام سجّاد علیه السلام از عمّه هایش حضرت زینب و حضرت سکینه برای اظهار مقام منیع و جایگاه رفیع آنهاست وگرنه امام معصوم نیازی ندارد که حدیثی را از عمّه هایش نقل کند .

* * *

۳ . سالم ابوالعلاء ، غلام آزاد شده ابراهیم طائی ؛

از ابوصالح ؛

از حضرت سکینه بنت علی علیه السلام ؛

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ؛

روایت کرده ، که متن حدیث به دست ما نرسیده ، فقط گزارش آن توسط بخاری در « التّاریخ الکبیر » و رازی در « الجرح والتّعدیل » به ما رسیده ، که متن گزارش در بخش اول تقدیم گردید ،(۲) و گفته شد که به احتمال قوی روایت سکینه از جد بزرگوارش ، به واسطه پدرش امیرالمؤمنین یا مادرش حضرت زهرا علیهاالسلام خواهد بود ، در نتیجه حدیث مرسل خواهد بود .

۱- ۱ . نمازی ، مستدرک سفینه ، ج ۵ ، ص ۹۰ .

۲- ۲ . بخاری ، التّاریخ الکبیر ، ج ۴ ، ص ۱۱۱ ، رقم ۲۱۳۷ ؛ رازی ، الجرح والتّعدیل ، ج ۴ ، ص ۱۹۱ ، رقم ۸۲۲ .

مرسل بودن یا ضعیف بودن سند حدیث ، در موضوع بحث ما مشکلی ایجاد نمی کند ، زیرا ما نمی خواهیم بر این احادیث حکم فقهی بار کنیم ، بلکه فقط می خواهیم وجود حضرت سکینه را به عنوان دختر امیرمؤمنان علیه السلام و در زمره محدّثان اثبات کنیم و آن به آسانی ثابت می شود .

* * *

ص: ۵۸

بخش چهارم : آستان مقدس حضرت سکینه بنت علی علیه السلام

اشاره

ص: ۵۹

موقعیت جغرافیایی « دارَیّا »

« دارَیّا » شهری در حومه دمشق است که در گذشته به عنوان روستایی بزرگ و زیبا از دهات غوطه شناخته می شد .

دارَیّا زادگاه بسیاری از مشاهیر علما و زهّاد بود که به سبب آن شهرت داشت .(۱)

کسانی را که به داریّا منسوب باشند : « دارانی » یا « دارائی » گویند .(۲)

این نسبت در ادب عربی برخلاف قاعده است .(۳)

در مورد تاریخچه « داریا » کتاب مستقلی تألیف شده ، به نام « تاریخ داریا » که به دست ما نرسیده است .

مؤلّف این کتاب « ابوعلی عبدالرّحمن بن داود خَولانی » مشهور به : « ابن مُهَنّا » می باشد .(۴)

کحّاله از این کتاب به عنوان : « تاریخ داریّا ومَن نَزَلَ فیها مِنَ الصّحابه » تعبیر کرده و از مؤلّف آن به عنوان : « عبدالجبّار بن عبداللّه بن محمّد خَولانی دارانی » متوفّای بعد از ۳۶۵ ق . یاد کرده است .(۵)

ظاهراً ابن مُهَنّا آغازگر تراجم نگاری به این شیوه است ، بعد از ایشان خطیب بغدادی ، متوفّای ۴۶۳ ق . همین راه را دنبال کرده و بیوگرافی کسانی را که وارد بغداد شده ، یا در آن اقامت داشته اند به رشته تحریر

ص: ۶۱

۱- ۱ . شمس الدّین سامی ، قاموس الاعلام ، ج ۳ ، ص ۲۰۸۸ .

۲- ۲ . همان ، ص ۲۰۸۳ .

۳- ۳ . خیابانی ، ریحانه الادب ، ج ۲ ، ص ۲۰۳ .

۴- ۴ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۲ ، ص ۴۳۲ .

۵- ۵ . کحّاله ، معجم المؤلّفین ، ج ۵ ، ص ۸۱ .

درآورده و کتاب « تاریخ بغداد » را سامان داده است .(۱)

سپس ابن عساکر ، متوفّای ۵۷۱ ق . نیز « تاریخ دمشق » را به همین شیوه تألیف کرده است .(۲)

تاریخ بغداد یک قرن پس از « تاریخ دارَیّا » و تاریخ دمشق دو قرن پس از آن نگارش یافته است .

پیش از تاریخ بغداد و تاریخ دمشق ، تنها کتاب : « تاریخ قم » را سراغ داریم که به همین سبک سامان یافته ، آن هم به سال ۳۷۸ ق . بعد از فوت « ابن مُهَنّا » تألیف شده است .(۳)

از چهره های معروفی که در « دارَیّا » مدفون می باشد ، « بلال حبشی » مؤذّن رسول گرامی اسلام است .

ابن عساکر می نویسد :

بلال مؤذّن پیامبر در « دارَیّا » اقامت کرد ، در آنجا ازدواج نمود و در آنجا درگذشت .

سپس در مورد محل دفن او می گوید :

به قولی در همانجا به خاک سپرده شد(۴) و به قولی پیکرش به

ص: ۶۲

۱- ۱ . تاریخ بغداد در ۱۴ مجلد و به پیوست فهرست و ذُیول آن در ۲۰ مجلّد منتشر شده است .
۲- ۲ . تاریخ دمشق در ۸۰ مجلّد انتشار یافته است .
۳- ۳ . تاریخ قم ، توسّط حسن بن محمّد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری قمی ، به سال ۳۷۸ ق . تألیف شده و در سال ۸۰۵ ق . توسّط حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی ، به فارسی برگردان شده است .
۴- ۴ . ابن عساکر ، تاریخ دمشق ، ج ۲ ، ص ۲۷۲ .

« باب صغیر » انتقال یافت .(۱)

از دیگر چهره های معروف مدفون در دارَیّا ، ابوسلیمان ، عبدالرّحمن بن احمد بن عطیّه ، متوفّای ۲۱۵ ق .(۲) یا ۲۳۵ ق . می باشد .(۳)

سمعانی ، متوفّای ۵۶۲ ق . می نویسد :

« دارَیّا » روستای بزرگ و زیبایی از دهات غوطه دمشق است .

من برای زیارت قبر « ابوسلیمان » به آنجا رفتم ، بسیاری از علما و محدّثین بزرگ از قدیم و جدید در آنجا می زیسته اند .

منسوبین به این قریه را « دارانی » یا « دارائی » می گویند .

سپس اضافه می کند :

به خاطر دارم که عمر بن ابی الحسن بسطامی به سال ۲۸ (یعنی: ۵۲۸ ق .) در مَرو بر ما وارد شد ، در خان البزّازین به موعظه پرداخت .

در ضمن گفتارش نام « ابوالحسن دارائی » را بر زبان جاری کرد ، عمویم ابوالقاسم سمعانی گفت : « دارانی » . من گفتم : هر دو جایز است .

آنگاه تعدادی از مشاهیر آنجا را نام می برد .(۴)

ابن اثیر نیز منسوبین به « دارَیّا » را تحت عنوانِ :

دارانی و دارائی ثبت کرده(۵) ولی سیوطی تنها از دارانی یاد می کند .(۶)

ص: ۶۳

۱- ۱ . همان ، ص ۲۷۰ .
۲- ۲ . شمس الدین سامی ، قاموس الاعلام ، ج ۳ ، ص ۲۰۸۳ .
۳- ۳ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۲ ، ص ۴۳۱ .
۴- ۴ . سمعانی ، الأنساب ، ج ۵ ، ص ۲۴۴ .
۵- ۵ . ابن أثیر ، اللّباب فی تهذیب الأنساب ، ج ۱ ، ص ۳۳۷ .
۶- ۶ . سیوطی ، لب اللباب فی تحریر الانساب ، ص ۱۶۳ .

یاقوت حموی از هر دو عنوان یاد کرده ، ده ها تن از مشاهیر منسوب به داریّا را نام می برد .(۱)

شناسنامه دارَیّا

اینک زائران مزارات شام ، این شهر را با نام نامی و یاد گرامی حضرت سکینه بنت امیرمؤمنان علیه السلام می شناسند .

همه خیابانها و اتوبانهایی که از دمشق یا زینبیّه به شهر دارَیّا منتهی می شود ، با تابلوهای بزرگی بر سرِ راه زائران مزیّن است ، که نام نامیِ « سکینه بنت علی علیه السلام » بر فراز آن با خطوط برجسته می درخشد و دلباختگان خاندان عصمت و طهارت را به سوی آستان مبارک این بی بی رهنمون می شود .

نگارنده سطور در سفرهای زیارتی خود به سوریه ، به هنگام تشرّف به آستانه حضرت سکینه ، از مشاهده این تابلوها در پوست نمی گنجید ، زیرا به یاد می آورد که :

۱) روزی ابوسفیان با تمام قدرت تلاش می کرد که از پیامبر اکرم نامی در صفحات تاریخ نباشد .

۲) روزی معاویه با جمله معروفش « دفناً دفناً » می خواست ، حتّی نام پیامبر صلی الله علیه و آله بر فراز مأذنه ها برده نشود .

۳) روزی هم یزید با فرمان پایمال نمودن اجساد شهدای کربلا با

۱- ۱ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۲ ، ص ۴۳۱ .

سُمّ ستوران می خواست نام و نشانی از عترت طاها باقی نباشد !

ولی امروز :

بارگاه ملکوتی حضرت زینب شیفتگان خانـدان عصـمت و طهارت را از اقطار و اکناف جهان به سوی خود جذب می کند و اکثر قریب به اتّفاق کسانی که وارد سوریه می شونـد ، به قصد عتبه بوسـی آسـتانه عقیله العرب رنج سـفر را بر خود هموار می کنند و شهر « زینبیّه » باپایتخت حکومت اموی پهلو به پهلو می زند .

ستاره درخشان خرابه ، رقیه سه ساله ، دخت گرامی امام حسـین علیه السلام در کنار مسجد اموی می درخشد و دلهای عاشقان شیفته و ارادتمندان پاکباخته را به حریم کویش فرامی خواند .

تابلوهای راهنمای شناسنامه داریا ، آستان مبارک نگین فروزان شهر تاریخی داریا ، حضرت سکینه نیز چشم زائران را می نوازد و دیدگان عابران را خیره می سازد .

آستانه مبارکه حضرت سکینه در اسناد رسمی

براساس اسـناد و مدارک موجود در آرشـیو ادارات دولتی سوریّه موقوفاتی بر آستانه حضرت سکینه در یک قرن گذشته وقف شده که سند برخی از آنها به تاریخ زیر به ثبت رسیده است :

۱ . سندی به سال ۱۹۱۹ م . برابر ۱۳۳۷ ق .

۲ . سندی به سال ۱۹۴۵ م . برابر ۱۳۶۴ ق .

همچنین سند دیگری در مورد تعیین حدود بقعه و صحن مطهر

حضـرت سکینه در اداره زمین شهری داریّا به تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۳۸ م . برابر نهم محرم الحرام ۱۳۵۷ ق . مطابق ۲۱/۱۲/۱۳۱۶ ش . که رونوشت آن در آرشیو حرم مطهر حضرت سکینه موجود است .

در این سه سند نام نامی و یاد گرامی « سکینه بنت علی علیه السلام » به صراحت آمده است .

آسـتانه مقـدّسه حضـرت سـکینه از قرنهـا پیش در میـان اهـالی داریّـا به عنوان یکی از بیوت النّبی و حرم یکی از بانوان اهلبیت عصمت و طهارت مورد احترام بود ، جز اینکه آوازه آن جهانی نبود و در محدوده حومه دمشق مطرح بود .

تا در سال ۱۳۶۷ ش . در طرح توسـعه شهر و احداث خیابان جدید در منطقه ، بقعه قدیمی حضرت سکینه در مسیر خیابان قرار گرفت ، پس از تحقیق و کنکاش و مشاهده لوح قبر که به قرنها پیش مربوط بود و نام « سکینه بنت علی علیه السلام » از صدها سـال پیش بر آن نقش بسـته بود ، مراتب به مسـئولین منطقه رسـید ، سـرتیب علی زَیّود اسـتاندار حومه دمشق ، براسـاس اعتقاد درونی خـود به اهلـبیت علیهم السـلام از تخریب آن جلوگیری کرد و موضوع را به اسـتحضار شـادروان حافـظ اسـد رسانیـد و ایشان دستور تحقیق بیشتر در اصالت این بقعه را صادر نمود .

ستادی به عنوان : « سـتاد بازسازی حرم مطهّر » تأسـیس شد و نخستین جلسه رسمی آن در تاریخ اوّل جمادی الاولی ۱۴۱۲ ق . برابر ۱۱/۱۱/۱۹۹۱ م . منعقد گردید .

آنگاه از محضر دانشمند فرزانه حضرت حجه الاسلام والمسلمین علاّمه حاج سید احمد واحدی که از دیرباز از سوی مراجع قم در زینبیّه

ص: ۶۶

اقامت داشت تقاضای بررسی شد .

در آن ایّام پژوهشگر پرتوان حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج سید احمد اشکوری برای تحقیق در آثار خطی زیدیه رهسپار یمن شده بود ، به هنگام بازگشت برای زیارت عقیله العرب به سوریّه مشرّف گردید ، در روزهای اقامت خود در سوریّه دو حدیث از دائره المعارف بزرگ شیعه ، بحار الأنوار علامه مجلسی پیدا کرد که نام نامی حضرت سکینه علیهاالسلام آمده بود .

با پیدا شدن این دو حدیث وجود دختری به نام سکینه برای امیرمؤمنان علیه السلام بیش از پیش به اثبات رسید .

برای بازسازی آستانه مبارکه حضرت سکینه زمینی به مساحت ۵۰۰۰ مترمربع از خانه های مسکونی اطراف آن مرقد شریف به دستور استاندار اختصاص یافت .

نویسنده شاهد بود که تولیت فعلی حرم استاد واحدی با چه تلاش شبانه روزی برای گردآوری هزینه خرید زمین یاد شده مشغول فعالیت بود .

سرانجام به یاری مؤمنان و تلاش دست اندرکاران این زمین خریداری شد و بازسازی حرم مطهر آغاز گردید .

در جلسه رسمی ۱۴/۵/۱۹۹۷ م . برابر هفتم محرم ۱۴۱۸ ق . مطابق ۲۴/۲/۱۳۷۶ ش . شادروان استاد سید عدنان محمّد شرف به ریاست ستاد بازسازی حرم مطهر تعیین شد .

ایشان ستادی را به این امر اختصاص داد و کار بازسازی را رسماً آغاز کرد ، ولی چند ماه بعد به درود حیات گفت .

پس از درگذشت ایشان ، در یک جلسه رسمی به تاریخ ۱۴ مارس

۲۰۰۲ م . برابر ۲۹ ذیحجه الحرام ۱۴۲۲ ق . مطابق ۲۳/۱۲/۱۳۸۰ ش . حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج سید احمد واحدی به ریاست ستاد بازسازی و تولیت آستانه مقدسه برگزیده شد .

راز مهجور ماندن این حرم در طول قرون و اعصار

با توجّه به مطالب یاد شده از منابع حدیثی ، تاریخی ، رجالی و انساب تردیدی در وجود دختری به نام حضرت سکینه برای امیرمؤمنان علیه السلام باقی نمی ماند .

با وجود بقعه ای از صدها سال پیش در شهر دارَیّا و اعتقاد اهالی به اصالت آن در طول قرنهای متمادی و ثبت آن در اسناد رسمی کشور سوریّه از یک قرن پیش ، به طور طبیعی این پرسش مطرح می شود که با آنهمه عظمت ، شرافت ، اصالت ، اسناد و مدارک ، این قبر مطهر چرا در طول تاریخ مهجور مانده است ؟

برای پاسخ به این پرسش باید صفحات تاریخ را ورق زده حوادث خونباری که در منطقه رخ داده است را بررسی کنیم .

یکی از حوادث خونبار این منطقه داستان نسل کشی شیعیان در این شهر بود .

داستان از اینجا آغاز شد که استاندار سجستان در عهد هارون الرّشید برادر « ابوالهیذام » را کشت .

عامر بن عماره ، مشهور به « ابوالهیذام » در سال ۱۷۷ ق . در شام خروج کرد و به عنوان خونخواهی برادرش لشکری بیاراست .

لبه تیز شمشیر ابوالهیذام متوجّه بنی خَولان(۱) بود که از دوستداران

۱- ۱ . بنی خَولان هفت قبیله از تبار خَولان بن عَمرو ، از تیره کهلان از قبایل یمن بودند که در شام زندگی می کردند . [خیابانی ، ریحانه الادب ، ج ۲ ، ص ۱۹۳] .

اهلبیت بودند .

در این فاجعه هزاران تن از شیعیان در منطقه دارَیّا به قتل رسیدند که مشروح آن در منابع تاریخی آمده است .

نسل کشی شیعیان در بیستم رمضان ۱۷۸ ق . در شهر دارَیّا با شکست کامل بنی خَولان به پایان رسید .(۱)

با توجّه به این فتنه های خانمانسوز ، راز مهجور ماندن آثار اهلبیت در این منطقه روشن می گردد .

ما معتقدیم باید سؤال را عوض کنیم و بگوییم : با این همه جنایات خانمان برانداز ، این مرقد مطهّر در طول قرون و اعصار چگونه باقی مانده است ؟

راز مهاجرت اهلبیت به دمشق و حومه آن

همانگونه که اقامت اجباری امام رضا علیه السلام در خراسان موجب شد که صدها تن از هواداران اهلبیت علیهم السلام که از خفقان هارونی خسته و رنجور شده بودند ، از حجاز رخت سفر بربسته به سوی ایران و خراسان عزیمت کنند ، در ایّام خروج عبداللّه بن زبیر نیز خانواده های وابسته به اهلبیت عصمت و طهارت در نهایت تشویش و اضطراب به سر می بردند ، رجال برجسته ای چون محمّد حنفیه به زندان و تبعید تن دادند ، دیگر منسوبین این خاندان نیز پس از پیدایش توّابین و خروج

۱- ۱ . ابن اثیر ، الکامل ، ج ۶ ، ص ۱۲۷ _ ۱۳۲ .

مختـار ، به منـاطقی چون حومه دمشق کوچ کردنـد ، تـا در پناه بَنی خَولان و دیگر هواداران اهلبیت از فتنه عبـداللّه بن زبیر در امان باشند .

یک نگاه گذرا به مزارات منسوب به اهلبیت در باب صغیر و دیگر مزارات شام این احتمال را قوّت می بخشد .

مزارات شام

به جز حرم باشـکوه حضـرت زینب ، حضرت رقیّه و حضرت سکینه ، مزارات بسیاری در شام به این خاندان منسوب است ، که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم :

۱ . امّ الحسن دختر امیرمؤمنان علیه السلام

۲ . سکینه دختر امام حسین علیه السلام

۳ . خدیجه دختر امام زین العابدین علیه السلام

۴ . فضّه خادمه

۵. سه تن از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۶ . امّ الحسن دختر امام صادق علیه السلام (۱)

۷ . اسماء بنت عمیس

۸ . حمیده دختر حضرت مسلم

۹ . میمونه دختر امام حسن علیه السلام

۱۰ . امّ کلثوم دختر امیرمؤمنان علیه السلام و ...

هیچیک از موارد دهگانه به طور قطع و یقین ثابت نشده که در شام

۱- ۱ . این شش مورد را یاقوت در معجم البلدان ، ج ۲ ، ص ۴۶۸ برشمرده است .

مدفون هستند ، ولی بودن قبرهای شناخته شده و انتساب آنها به این بزرگواران در مزارات مختلف شام ، به ویژه در « باب صغیر » حکایت از آن دارد که گروهی از منسوبین خاندان عصمت و طهارت به این سامان مهاجرت نموده ، در این مناطق زندگی کرده و تعدادی از آنها در این نواحی به خاک سپرده شده اند .

انتخاب شام برای مهاجران حجازی ناامن شدن عراق در فتنه عبداللّه بن زبیر و برادرش مصعب بن زبیر بود ، که حتی بسیاری از شیعیان عراق چون « هَمْدانی ها » به صورت گروهی به این سامان مهاجرت نمودند .

در حومه دمشق هنوز هم شماری از مناطق نام یمانی دارد ، مانند : حَجیرا(۱) ، صَنعا(۲) و عَین ثَرما(۳) .

و این اثبات می کند که روزگاری تیره هایی از همدانی ها و یمانی ها در این مناطق سکونت داشتند .

اسامی یاد شده عموماً از روستاهای « غوطه » در حومه دمشق بودند ، یکی دیگر از روستاهای غوطه « دارَیّا » بود که پیکر مقدس حضرت سکینه بنت امیرمؤمنان علیه السلام را چون نگین انگشتر در برگرفته است .

در پایان این بخشْ با نام نامی و یاد گرامی یکی از مراجع بزرگ تقلید این بخش را حُسن ختام می بخشم :

یادکردی از مرجعی والاتبار

ص: ۷۱

۱- ۱ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۲ ، ص ۲۲۶ .
۲- ۲ . همان ، ج ۳ ، ص ۴۲۹ .
۳- ۳ . همان ، ج ۴ ، ص ۱۷۷ .

مرحوم آیه اللّه حاج میرزا ابوالفضل زاهـدی ، متوفّای ۱۳۹۸ ق . از علمای برجسـته حوزه علمیه قم که سالیان درازی در مسجد امام حسن عسـکری علیه السـلام امامت می کرد ، در سال ۱۳۷۷ ق . در بیت افتخار صـفحات تاریـخ مرحوم آیه اللّه بروجردی قدس سره ، بر فراز منبر تأکید داشتند بر اینکه علیرغم کوتاهی منابع تاریخی ، حضرت علی علیه السلام علاوه بر حضرت زینب و حضرت ام کلثوم دختر دیگری به نام « سکینه » داشتند که باید نام او احیاء گردد .

علاوه بر اینکه آیه اللّه زاهدی از مقام علمی والایی برخوردار بود و در رشـته های مختلفی چون : فقه ، اصول ، تفسـیر و تاریخ کتاب نوشته ، به ویژه دو جلد از آثار ایشان به نام :

۱) مقصد الحسین علیه السلام

۲) منطق الحسین علیه السلام (۱)

به حادثه خونین کربلا اختصاص دارد ، طرح این مطلب از طرف ایشان ، آنهم در محضـر آن مرجع بزرگ که گذشته از فقه و اصول ، در علم رجال نیز تسلّط عجیبی داشت ، حکایت از استواری سخن و استحکام مستندات آن می کند .

دو تن از عالمان فرهیخته معاصـر در آن محفل حضور داشـتند و به شـنیدن آن از آیه اللّه زاهـدی در محضـر آن مرجع والاتبار شهادت می دهند :

۱) آیه اللّه حاج شیخ حسین شب زنده دار دام ظله

۲) حجه الاسلام والمسلمین حاج سید احمد واحدی دام تأییده

۱- ۱ . جواهر کلام ، تربت پاکان قم ، ج ۱ ، ص ۲۴۵ .

مادحان حضرت سکینه

اشاره

پس از اقدام به بازسازی حرم مطهر حضرت سکینه بنت امیرالمؤمنین علیه السلام گروهی از شاعران اهلبیت علیهم السلام در مدح آن حضرت چکامه ها سرودند ، که به شماری از آنها اشاره می کنیم :

۱ . شیخ محمّدجواد سهلانی

حجه الاسلام والمسلمین شیخ محمّدجواد سهلانی در چکامه خود می گوید:

ذا مَرْقَدٌ یُنْمی لِبَضْعَهِ حَیْدَرٍ هذا لَعَمْری مُنْتَهَی الْاْءَحْلامِ

این مرقدی است که به جگر گوشه امیرمؤمنان علیه السلام انتساب دارد ، به جان خود سوگند که این نهایت آرزوها می باشد .

۲ . سیّد محمّدمهدی سویج

علامه سید محمّدمهدی سویج در چکامه ای که به عنوان مادّه تاریخ بنای حرم سروده ، می گوید :

لَیْسَتْ سَکینَهُ بِنْتُ الْمُرْتَضی اِنْفَرَدَتْ بِالْقَبْرِ فی دارَیّا اِذْباتَ مُنْغَمِراً

فَقَبْرُ والِدِها عَنِ الْخَوارِجِ فِی الْ__غَرِیِّ بَعْدَ اخْتِفاءٍ ، بانَ وَاشْتَهَرا

وَاُمُّها فاطِمُ الزَّهْراءُ شَیَّعَها لَیْلاً عَلِیٌّ وَلَمْ یُعْلِنْ لَها خَبَراً

وَفِی الْبَقیعِ بَدا قَبْرٌ لَها وَلِبِنْ__تِها سَکینَهَ فی دارَیّا قَدْ فَخَرا

ص: ۷۳

بِهِ الْمُحامی أَبُو خَلْدُونَ أَخْبَرَنی فَزُرْتُهُ وَکَراماتٍ لَها ذُکِرا

وَالْواحِدِیُّ وَعَدْنانُ ، بِنایَتَهُ شادا وَلَجْنَهُ تَصْمیمٍ وَقَدْ شُکِرا

کَذا الْمُهاجِرُ فی بَحْثٍ یُؤَیِّدُهُ ما کانَ عَیْناً فَلَمْ نَطْلُبْ لَهُ أَثَراً

سَکینَهُ بَضْعَهٌ لِلْمُرْتَضی نُورُها فِی الشّامِ أَرَّخْتُ « مِنْ دارَیِّها ظَهَرا »

این تنها سکینه دخت علی مرتضی علیه السلام نیست که در داریّا قبرش گمنام مانده است .

قبر پدرش نیز پس از یک دوره اختفاء از شرّ خوارج ، در غَرِیّ (نجف) پدیدار گردید .

مادرش فاطمه زهرا را نیز علی علیه السلام شبانه و مخفیانه تشییع نمود و خبرش را منتشر نکرد .

در بقیع قبری برای او پدیدار شد و در مورد دخترش سکینه نیز در « دارَیّا » چنین افتخاری نصیب شد .

ابوخلدونِ وکیل به من خبر داد ، پس من به زیارتش مشرّف شدم و برای او کراماتی نقل گردید .

آقای واحدی و آقای عدنان بارگاهش را برافراشتند و ستاد تصمیم گیری شایسته ای برگزیدند .

آقای مهاجر نیز در پژوهش خود آن را تأیید کرد ، آنچه عیان است دیگر از آن نشان نمی جوییم .

پرتو سکینه پاره تن علیِّ مرتضی در شام پدیدار گردید و من : « مِنْ دارَیِّها ظَهَرا » را به عنوان مادّه تاریخِ آن سرودم .(۱)

۱- ۱ . جمله ی : « مِنْ دارَیّها ظَهَرا » با حروف ابجد ۱۴۱۷ می شود که مادّه تاریخ تشرّف شاعر به حرم مطهر حضرت سکینه می باشد .

۳ . دکتر عصام عباس

دکتر عصام عباس نیز در ضمن چکامه « فقه فاطمه » می گوید :

وَبِیَوْمِ مَوْلَدِ زُهْرَهِ الطّیبِ الَّتی فاضَتْ بِهَا الدُّنْیا شَذًی وَعُطُوراً

أَحْلَی التَّهانی لِلْعَقیلَهِ قَدَّمَتْ هذی الْخَلائِقُ وَرْدَهً وَزُهُوراً

وَأَتَتْ مُهَنِّئَهً بِفَیْضِ شُعُورِها لَکِ یا سَکینَهُ بَهْجَهً وَحُبُوراً

فی أَرْضِ دارَیّا أَضاءَتْ شُعْلَهٌ قَبَساً مِنَ الآلِ الکِرامِ وَنُوراً

لَکُمُ التَّهانی أَهْلَ دارَیّا بِها وَجَدَتْ بِلادُکُمْ غِنًی وَسُرُوراً

فَهِیَ اِبْنَهُ الزَّهْراءِ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَعَلی مَنْ مَلَاءَ الدِّیارَ عَبیراً

در روز میلاد زهرای طاهره که جهان را آکنده از عطر مشک و عنبر نمود .

این مردمان شیرین ترین تهنیت ها را با دسته های گل و شکوفه به پیشگاه عقیله العرب تقدیم نمودند .

آنگاه با یک دنیا بهجت و سرور ، به پیشگاه حضرت سکینه ، برای تهنیت و فیض حضور آمدند .

در سرزمین داریّا شعله ای از انوار درخشان خاندان فضیلت درخشید و نورافشانی کرد .

هان ای اهالی « داریا » بر شما تهنیت باد که به برکت وجود او دیار شما ثروت و شادمانی یافت .

ص: ۷۵

او دخت گرامی حضرت زهرا بنت محمّد صلی الله علیه و آله می باشد ، که جهان را پر از شمیم عطر نمود .

۴ . استاد عدنان شرف

مرحوم استاد عدنان بن محمّد شرف ، متوفّای ۱۹۹۹ م . سرپرست ستاد بازسازی حرم نیز چکامه اش را اینگونه تقدیم می کند :

هذا ضَریحُ شَقیقَهِ الْقَمَرَیْنِ بِنْتِ الْاِمامِ شَریفَهِ الاٰبَوَیْنِ

وَسَلیلَهُ الزَّهْراءِ بَضْعَهُ أَحْمَدَ نُورُ الْوُجُودِ وَسَیِّدُ الثَّقَلَیْنِ

نَسَبٌ کَریمٌ مُشْرِقٌ لِسَکینَهَ شَمْسُ الضُّحی وَکَریمَهُ الدّارَیْنِ

این ضریح خواهر دو ماه (زینب و ام کلثوم) دختر امام است ، که از سوی پدر و مادر نسب شریف و والایی دارد .

او دختر حضرت زهرا ، پاره تن احمد صلی الله علیه و آله است ، که نور جهان هستی و سرور آدمیان و پریان است .

برای حضرت سکینه نسب والا و درخشان است ، که او آفتاب نیمروز و بانوی دوسرا می باشد .

ص: ۷۶

بخش پنجم : همسنگر زینب علیهاالسلام

اشاره

ص: ۷۷

آیا حضرت سکینه در کربلا حضور داشت ؟

براساس روایت ابواسحاق اسفراینی ، متوفّای ۴۱۸ ق . حضرت سکینه دخت گرامی امیرمؤمنان علیه السلام در کنار حضرت زینب و حضرت ام کلثوم علیهماالسلام در کربلا حضور فعّال داشت .

پیش از آنکه فرازهایی از کتاب اسفراینی از لحاظ خوانندگان گرامی بگذرد ، اشاره ای کوتاه به شرح زندگانی اسفراینی می شود :

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم در « اسفراین » دیده به جهان گشود .

اسفراین در نیمه راه گرگان و نیشابور ، در دامنه کوه آلاداغ ، در جنوب شیروان ، در ۱۰۸ کیلومتری سبزوار قرار دارد .

« اسفراین » از دو واژه « اسپر » و « آیین » مرکّب است .

اسپر به معنای « سپر » و آیین به معنای آداب و رسوم می باشد .

در وجه تسمیه این شهر به « اسپراین » گویند :

اهالی این شهر همواره با خود سپر حمل می کردند ، از این روی به شهر آنها اسپراین گفتند ، یعنی شهری که از آداب و رسوم اهالی آن حمل سپر می باشد .(۱)

یکی از رجال برجسته این شهر در قرن چهارم هجری رکن الدّین ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم اسفراینی می باشد .

ابن اثیر جزری از او به عنوان : « الامام المشهور » نام می برد .(۲)

۱- ۱ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۱ ، ص ۱۷۷ .

۲- ۲ . ابن اثیر ، اللّباب فی تهذیب ، الأنساب ، ج ۱ ، ص ۴۱ .

سمعانی گوید :

اسفراینی یکی از کسانی بود که به مرتبه اجتهاد رسیده بود .(۱)

با توجّه به اینکه تعداد کسانی که اجتهاد آنها از سوی اهل سنّت مورد قبول می باشد ، از شمار انگشتان تجاوز نمی کند ، این تعبیر سمعانی در مورد اسفراینی تعبیر بسیار بلندی است .

سمعانی در ادامه می نویسد :

اسفراینی همه شرایط امامت را از فقه ، کلام ، اصول ، آشنایی کامل با کتاب ، سنت و ادب عربی دارا بود .

ابن منجویه یک هزار حدیث از او نقل کرده و حاکم نیشابوری ۱۰ جزء از احادیث او را گرد آورده است .(۲)

به جهت تبحّر عجیبی که در علم اصول داشت به « اصولی » مشهور بود .(۳) و هر کجا در کتابهای کلامی « استاد » تعبیر کنند ، منظور ابواسحاق اسفراینی است .(۴)

چون در نزد صاحب بن عبّاد از او نام برده می شد ، می گفت :

۱- ۱ . سمعانی ، الأنساب ، ج ۱ ، ص ۲۳۷ .

۲- ۲ . همان .

۳- ۳ . همان ، ص ۲۹۹ .

۴- ۴ . خیابانی ، ریحانه الادب ، ج ۱ ، ص ۱۱۹ .

اسفراینی آتش سوزاننده است .(۱)

روز عاشورای ۴۱۸ ق. در نیشابور درگذشت پس از تشییع بی نظیر ، جنازه اش را به اسفرایین حمل کردند و قبرش در آنجا مشهور و زیارتگاه است .

یوسف الیاس سرکیس می نویسد :

رکن الدّین ، ابواسحاق ، ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم بن مهروان اسفرایینی شافعی ، معروف به « استاد » متکلّم ، اصولی و شیخ اهل خراسان ... بود .

همه مشایخ نیشابور از او علم کلام و علم اصول آموخته اند و همه اهل عراق و اهل خراسان به دانش او اعتراف کرده اند و مدرسه ای به نام او در نیشابور ساخته اند .(۲)

یکی از آثار معروف او : « جامع الجلی والخفی ، فی اصول الدّین والرّد علی الملحدین » است ، که در پنج جلد آن را سامان داده است .(۳)

از دیگر آثار او « نور العین فی مشهد الحسین » در مقتل است ، که مکرّر به چاپ رسیده است .

۱- ۱ . محدث قمی ، الکنی و الالقاب ، ج ۲ ، ص ۲۶ .
۲- ۲ . سرکیس ، معجم المطبوعات العربیّه والمعرّبه ، ج ۱ ، ص ۴۳۵ .
۳- ۳ . چلبی ، کشف الظّنون ، ج ۱ ، ص ۵۳۹ .

نسخه ای که ما از آن نقل می کنیم به سال ۱۲۹۹ ق . در ۱۰۱ صفحه در بمبئی _ هند _ به چاپ رسیده ، ولی خانبابا مشار گزارش سه چاپ دیگر را به شرح زیر داده است :

۱ . چاپ سنگی ، بمبئی ، به سال ۱۳۰۷ ق .

۲ . چاپ سربی ، مصر ، بی تا . ۴۰ صفحه .

۳ . چاپ سربی ، بغداد ، رقعی ، ۴۷ صفحه .(۱)

فرازهایی از کتاب « نور العین »

پس از آشنایی اجمالی با مؤلّف کتاب ، فرازهایی را از کتاب « نورالعین فی مشهد الحسین » تألیف : رکن الدّین ، ابواسحاق ، ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم اسفراینی شافعی ، چاپ سنگی ۱۲۹۹ ق . بمبئی به صورت گزارش تقدیم می کنیم :

۱) امام حسین علیه السلام در روزهای آغازین حکومت یزید با خواهرش سکینه از سنگدلی یزید سخن گفت و با او به رایزنی پرداخت .(۲)

۲) امام حسین علیه السلام با خواهرش سکینه از نامه های ارسالی کوفیان ، شرح جنایات امویان ، وضع رقّت بار امّت اسلامی سخن گفت و اشک دیدگانش بر سیمای مبارکش سرازیر شد .

حضرت سکینه به محضر سالار شهیدان عرضه داشت :

برادرجان ! خداوند دیدگانت را جز در راستای خوف و

۱- ۱ . مشار ، فهرست کتابهای چاپی عربی ، ص ۹۷۰ .

۲- ۲ . اسفراینی ، نور العین ، ص ۸ .

خشیت پروردگار نگریاند .(۱)

۳) امـام حسـین علیه السـلام پس از اعزام مسـلم بن عقیل به کوفه ، با خواهرش سـکینه در مورد عزیمت خویش به سوی کوفه سخن می گوید و حضـرت سکینه اصرار می کند که ایام حج را در مکه بماند و تا سپری شدن ماه محرم نیز سفر خود را تأخیر بیندازد ، زیرا از جدّ بزرگوارش شنیده است که امام حسین علیه السلام در ماه محرّم به شهادت می رسد .(۲)

۴) آنگاه خاکی را که پیک وحی از خاک کربلا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقدیم کرده بود و پیامبر آن را به حضرت فاطمه سپرده بود و سـکینه آن را از مادرش دریافت کرده بود ، بیرون آورد و دید که رنگش عوض شده و همانند عقیق سـرخ به رنگ خون درآمده است .(۳)

۵) چون کاروان حسینی حرکت می کند حضرت سکینه اشعار جانسوزی به مطلع :

« اَلا اِنَّ شَوْقی فِی الْفُؤادِ تَحَکَّما »

می سراید .(۴)

ص: ۸۳

۱- ۱ . همان ، ص ۱۶ .

۲- ۲ . همان .

۳- ۳ . همان ، ص ۱۷ .

۴- ۴ . همان ، ص ۱۸ .

۶) هنگامی که روز عاشورا اسب بی صاحب امام حسین علیه السلام به خیمه ها آمد ، حضرت سکینه چکامه مفصّلی سرود ، که در ابیات آخرین آنها عرضه می دارد :

برادرجان ! با شهادت تو بی سرپرست شدیم و پس از عزّت و شوکت بی نوا گشتیم .

برادرجان ! پس از تو چه کسی از ما حمایت می کند ؟ دیگر چه کسی از ما در برابر این مردمان دفاع می کند ؟

برادرجان ! حوادث جانکاه امروز توانم را درهم شکست و هوشم را از کار انداخت .(۱)

۷) هنگامی که کاروان حسینی را از کنار کشته ها عبور دادند ، حضرت سکینه چکامه ای به این مطلع :

« أَلا یا أَخی قَدْ سَبَتْنَا الْأَعادی »

سرود .(۲)

۸) حضرت ام کلثوم به هنگام ورود به مدینه چکامه ای به مطلعِ :

« مَدینَهَ جَدِّنا لا تَقْبَلینا »

۱- ۱ . همان ، ص ۶۳ .

۲- ۲ . همان ، ص ۶۵ .

سروده ، که در ضمن آن حوادث خونبار کربلا و اسارت آل اللّه را به جدّ بزرگوارش گزارش می دهد و در یکی از ابیات آن عرضه می دارد :

سَکیآنَهُ تَشْتَکی مِنْ حَرِّ شَجْوٍ تُنادی یا اَخی جارُوا عَلَیْنا

یعنی : سکینه از شدّت داغی که بر دل داشت شکایت می کرد و می گفت : برادرجان ! بر ما ستم کردند .(۱)

در پایان به چند نکته در پیرامون این گزارشها اشاره می کنیم :

۱ . کتـاب « نور العین » آکنـده از مطالب جالب و شـنیدنی است ، ولی سـند مطالب خود را بیان نکرده ، و اگر مؤلّف از رجال برجسته نبود ، کتاب مورد توجّه قرار نمی گرفت .

۲ . چنانکه اشاره شد مؤلّف از بزرگان علمای شافعی است و بسیاری از بزرگان اهل سنّت به اجتهاد او اعتراف کرده اند .

۳ . به جهت نامأنوس بودن مطالب کتاب ، ما بخشـهای مربوط به حضـرت سـکینه را در بخش مستقلّی آوردیم تا اگر کسی در صحّت آن تردید داشته باشد ، در مورد اصل قضیّه دچار تردید نشود و مطالب محکم و استوار بخشهای پیشین سست نگردد .

۴ . در این فرازها به وجود حضـرت سـکینه ، حضور فعّال وی در حادثه کربلا و نقل حدیث وی از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله تصریح شده است .

۱- ۱ . همان ، ص ۸۷ .

۵ . در جای جای کتاب مطالب فراوان از حضرت زینب و حضرت امّ کلثوم آمده و آن حکایت از آن دارد که سکینه نامِ امّ کلثوم نیست ، بلکه خواهر دیگر این دو بانو می باشد .

۶ . در این کتاب مطالب مربوط به سکینه بنت الحسین علیه السلام نیز به تفصیل آمده است و لذا احتمال اینکه مؤلّف حضرت سکینه بنت امام حسین علیه السلام را اشتباهاً دختر امیرمؤمنان علیه السلام تصوّر کرده باشد ، منتفی است .

۷ . در کتاب « نور العین » دُرهای ناسفته و سخنان ناگفته فراوان یافت می شود و در لابه لای آن مطالب سست و ضعیف نیز به چشم می خورد .

۸ . نویسنده سرآمد علمای شافعی در عصر خود می باشد و اهل سنّت به یافته های ایشان و به ویژه نوآوری های ایشان اعتماد راسخ دارند . از این رهگذر سخنان ایشان را به عنوان شاهدی دیگر بر وجود حضرت سکینه بنت امیرمؤمنان علیه السلام نقل کردیم و قضاوت نهائی را برعهده تاریخ نهادیم .

۹ . در صورت ثبوت مطالب این کتاب ، شخصیّت برجسته حضرت سکینه از رایزنی های امام حسین علیه السلام با وی و سخنان حکیمانه ایشان در این رایزنی ها تجلّی می کند .

۱۰ . نقل حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در اختیار داشتن تربت کربلای اعطایی پیامبر اکرم به حضرت فاطمه علیهاالسلام شاهد دیگری است بر اینکه حضرت سکینه بنت امیرمؤمنان علیه السلام از بنات الزّهراء ، هم سنگ ، هم سنگر و هم سفر حضرت زینب و حضرت امّ کلثوم علیهماالسلام می باشد و در حادثه خونین کربلا حضور فعّال داشت .

* * *

سفارش حضرت زینب به حضرت سکینه

از خطیب توانا ، شیخ عبدالحمید مهاجر ، سرآمد خطبای عرب نقل شده که بر فراز منبر گفت :

بانویی به نام سکینه بنت امیرمؤمنان علیه السلام در کربلا حضور داشت ، امام حسین علیه السلام در وداع آخرین حضرت زینب را مشاهده کرد که غمهای عالم بر دلش فروریخته ، خواهرش سکینه را ندا کرده فرمود :

یا اُخْتی سَکینَهُ ، أَدْرِکی اُخْتَنا زَیْنَبَ ، تَجُودُ بِنَفْسِها ؛

خواهرم سکینه ! خواهرمان زینب را دریاب ، که نزدیک است قالب تهی کند .(۱)

ص: ۸۷

۱- ۱ . به نقل علامه سید احمد واحدی از استاد مهاجر .

بخش ششم : ثبت وقایع اتّفاقیّه

اشاره

ص: ۸۹

رخدادهای مربوط به حضرت سکینه بنت علی علیه السلام

وقایع اتّفاقیّه ، سوانح حیاتی و دیگر رخدادهای مربوط به حضرت سکینه دختر امیرمؤمنان علیه السلام را در بخش پایانی کتاب به ترتیب تسلسل زمانی مرور می کنیم :

۱ . حضور در بالین مادر ، در واپسین دیدار ، روز سوّم جمادی الثّانیه سال ۱۱ هجری قمری .

۲ . نقل سیره ایشان توسّط امام حسین علیه السلام در قرن اوّل هجری .

۳ . حضور فعّال در نهضت کربلا ، به روایت اسفراینی روز دهم محرّم الحرام ۶۱ ق .

۴ . نقل حدیث از ایشان ، توسّط امام زین العابدین علیه السلام ، در نیمه دوّم قرن اوّل هجری .

۵ . نقل حدیث امام حسین علیه السلام ، توسّط امام رضا علیه السلام ، در طوس ، به سال ۱۹۸ ق .(۱)

۶ . ثبت نام حضرت سکینه در زمره محدّثان ، توسّط بخاری در نیمه های قرن سوّم هجری .

۷ . نقل حدیث امام حسین علیه السلام ، توسّط برادرزاده دعبل ، از پدرش علی بن علی ــ برادر دعبل ــ در بغداد ، به سال ۲۷۲ ق .(۲)

۸ . ثبت شمایل حضرت سکینه ، توسّط ابن قتیبه ، در نیمه دوّم قرن سوّم .

۹ . ثبت نام ایشان در میان محدّثان ، توسّط ابن أبی حاتم رازی ، در

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الأمالی ، ص ۳۶۱ ، ح ۷۵۰ .

۲- ۲ . همان .

اوایل قرن چهارم .

۱۰ . ثبت حضور فعّال ایشان در کربلا ، توسّط اسفرایینی ، در اوایل قرن پنجم .

۱۱ . ثبت حدیث امام حسین علیه السلام از ایشان ، توسّط شیخ طوسی ، اوایل قرن پنجم .

۱۲ . ثبت حدیث امام سجّاد علیه السلام از ایشان توسّط طبری امامی ، در قرن پنجم .

۱۳ . بحث از مدفن حضرت سکینه ، توسّط شعرانی در نیمه های قرن دهم .

۱۴ . ثبت احادیث ایشان توسّط شیخ حرّ عاملی و علاّمه مجلسی ، در اواخر قرن یازدهم .

۱۵ . بحث از مدفن آن حضرت، توسّط أجهوری در اواخر قرن دوازدهم.

۱۶ . ثبت حضور ایشان در مراسم تودیع مادر ، توسّط بحرانی در عوالم ، در قرن دوازدهم .

۱۷ . بحث از مدفن ایشان توسّط شبلنجی ، در اوایل قرن چهاردهم .

۱۸ . ثبت حضور ایشان در تودیع مادر ، توسّط ابوالحسن مرندی ، در سال ۱۳۲۸ ق .

۱۹ . ثبت موقوفات حرم مطهّر حضرت سکینه در ایّام اشغال سوریّه توسّط فرانسویان ، در وزارت اوقاف سوریّه ، به سال ۱۳۳۷ ق . (۱۹۱۹ م) .

۲۰ . ثبت آستانه حضرت سکینه ، در اداره زمین شهری دارَیّا ، به سال ۱۳۵۹ ق . (۱۹۳۸ م) .

۲۱ . ثبت حضور حضرت سکینه در بالین مادر ، توسّط محدّث

قمی ، در نیمه های قرن چهاردهم .

۲۲ . ثبت موقوفات حرم حضرت سکینه در وزارت اوقاف سوریّه ، به سال ۱۳۶۴ ق . (۱۹۴۵ م) .

۲۳ . تأکید بر لزوم احیای نام حضرت سکینه در محضرت آیه اللّه بروجردی ، توسّط آیه اللّه زاهدی ، به سال ۱۳۷۷ ق .

۲۴ . ثبت حدیث امام حسین علیه السلام از حضرت سکینه در « جامع أحادیث الشّیعه » زیر نظر آیه اللّه بروجردی ، در نیمه دوّم قرن چهاردهم .

۲۵ . ثبت حدیث امام حسین علیه السلام در کتاب « کلمه الامام الحسین علیه السلام » توسّط شهید سید حسن شیرازی ، در اواخر قرن چهاردهم .

۲۶ . ثبت نام حضرت سکینه در شمار محدّثان توسّط مرحوم نمازی در « مستدرکات علم رجال » در اوایل قرن پانزدهم .

۲۷ . سر آغاز فصلی نوین در تاریخ حرم مطهّر حضرت سکینه با قرار گرفتن ساختمان کهن آن در مسیر خیابان ، به سال ۱۳۶۷ ش . (۱۴۰۸ ق) .

۲۸ . گردهمایی و تأسیس ستاد بازسازی حرم مطهّر به سال ۱۴۱۲ ق .

۲۹ . انتشار اوّلین کتاب پیرامون حضرت سکینه ، تحت عنوان : « السّیده سکینه بنت علیّ علیه السلام » به قلم علّامه سیّد احمد اشکوری ، چاپ دار الذّخائر قم ، به سال ۱۴۱۲ ق .

۳۰ . تشرّف شاعر فرزانه استاد سویج به حرم مطهّر حضرت سکینه و سرودن چکامه ی معروفش به سال ۱۴۱۷ ق .

۳۱ . گرد همایی ستاد بازسازی حرم مطهر به سال ۱۴۱۸ ق .

۳۲ . انتشار دوّمین اثر پیرامون حضرت سکینه به نام : « السّیده سکینه بنت أمیر المؤمنین علیّ بن أبی طالب علیهماالسلام » به قلم شیخ جعفر مهاجر ،

چاپ دمشق ، مطبعه کرم ، ۱۴۱۸ ق .

۳۳ . انتشار سوّمین کتاب در همین رابطه به نام : « بانوی ناشناخته ، سکینه دختر امام امیرالمؤمنین علیه السلام » به قلم سید محمّدرضا واحدی ، چاپ بنیاد بعثت ، تهران ، ۱۳۷۸ ش . (۱۴۲۰ ق) .

۳۴ . انتشار چهارمین اثر تحت عنوان : « سکینه دختر امام علی علیه السلام و مرقد او در شام » به قلم شادروان محمّدمهدی اشتهاردی ، چاپ تهران ، نشر مطهّر ، ۱۳۷۸ ش . (۱۴۲۰ ق) .

۳۵ . انتشار پنجمین کتاب به نام : « السّیّده سکینه بنت الامام علیّ بن ابی طالب علیهماالسلام » گزارش حرم مطهّر به چهار زبان (فارسی ، اردو ، عربی و انگلیسی) تدوین حسین محمّدعلی فاضلی ، زیر نظر استاد سیّد احمد واحدی ، چاپ ۱۴۲۱ ق .

۳۶ . انتشار ششمین کتاب در این رابطه تحت عنوان : « سکینه بنت علیّ علیه السلام تحقیق و دراسه » ، تألیف : شیخ عبّاس شومان و سیّد علی مرتضی ، با تقریظ علاّمه سیّد جعفر مرتضی العاملی ، چاپ بیروت ، مرکز الدّراسات الاسلامیّه ، ۱۴۲۳ ق .

۳۷ . گردهمایی ستاد بازسازی حرم مطهر زیرنظر تولیت محترم و بیانیّه استاندار حومه دمشق .

۳۸ . اعتراف علاّمه سید جعفر مرتضی به وجود حضرت سکینه در میان دختران امیرمؤمنان علیه السلام و حضرت فاطمه علیهاالسلام در کتاب ارزشمند « الصّحیح من سیره الامام علی علیه السلام » ، ج ۱ ، ص ۲۹۲ _ ۲۹۶ ، چاپ بیروت ، المرکز الاسلامی للدّراسات ، ۱۴۳۰ ق .

این بود مروری کوتاه بر رخدادهای مربوط به حضرت سکینه و

ص: ۹۴

حرم مطهّر آن حضرت در طول چهارده قرن .

با یک نگاه گذرا ثابت می شود که حضرت علی علیه السلام دختری به نام سکینه داشتند .

این دختر سوّمین یادگار مظهر کوثر حضرت فاطمه اطهر بود .

برای اثبات وجود این بانوی ناشناخته ، نقل سیره ایشان توسّط امام حسین علیه السلام ، نقل حدیث از ایشان ، توسّط امام سجّاد علیه السلام و ثبت نام نامی اش در میان محدّثان توسّط تراجم نگارانی چون بخاری و ابن أبی حاتم رازی ، کافی است .

در مورد انتساب قبر شریف موجود در « داریّا » به ایشان مستند ما وجود بقعه ای به نام ایشان در طول قرون و اعصار ، اعتقاد اهالی ، نقل متواتر کهنسالان از نیاکان و اسناد موجود در آرشیو وزارت اوقاف سوریّه و اداره زمین شهری داریّا می باشد .

امّا مدرک اصلی ما برای اثبات اینکه مادر گرامی اش حضرت فاطمه علیهاالسلام است ، فراخوان امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام تجهیز حضرت زهرا علیهاالسلام است ، که در آن نام حضرت سکینه نیز بر زبان آن حضرت جاری شده ، که این فراخوان را یکبار دیگر مرور می کنیم :

بر بالین مادر

در یک حدیث بسیار طولانی که غوّاص بحار علوم آل محمّد علیهم السلام آن را از « ورقه بن عبداللّه أزدی » از « فضّه خادمه » روایت کرده ، که جناب فضّه از زبان امیرمؤمنان علیه السلام نقل می کند که فرمود :

پس به تجهیز او پرداختم ، از زیر پیراهنش او را غسل دادم ، پیراهنش را بیرون نیاوردم که او پاک و پاکیزه بود ، سپس او را با بازمانده حنوط رسول خدا صلی الله علیه و آله حنوط کردم ، آنگاه او را در کفن پیچیدم ، هنگامی که خواستم بندهای کفن را ببندم صدا کردم :

ای ام کلثوم ، ای زینب ، ای سکینه ، ای فضه ، ای حسن ، ای حسین ، بیایید و از مادرتان توشه برگیرید ، که اینک موسم جدایی است و دیدار در بهشت است .(۱)

در اینجا امیرمؤمنان علیه السلام در میان فرزندانِ حضرت فاطمه از حضرت سکینه نیز نام برده است و چون در آن زمان مولای متّقیان همسر دیگری نداشت ، بدون تردید او نیز دختر حضرت زهرا علیهاالسلام خواهد بود .

فضّه خادمه نیز به قدری در آن دودمان مورد احترام بود که امیرمؤمنان علیه السلام او را نیز در ردیف فرزندان خود نام برده و فرموده : « بیایید از مادر خود توشه برگیرید » .

بعد از علاّمه مجلسی بسیاری از محدّثان ، سیره نویسان و تراجم نگاران این متن را از علاّمه مجلسی روایت کرده اند ، که از آن جمله است :

۱ . بحرانی ، شاگرد علاّمه مجلسی ، در عوالم ، ج ۱۱ ، ص ۱۰۷۰ .

۲ . ابوالحسن مرندی ، در مجمع النّورین ، ص ۱۵۳ .

۳ . خوئی ، در منهاج البراعه ، ج ۱۳ ، ص ۲۳ .

۴ . انصاری قراجه داغی ، در اللّمعه البیضاء ، ص ۸۶۰ .

۱- ۱ . مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۷۹ .

۵ . محدّث قمی ، در بیت الأحزان ، ص ۱۵۳ و الأنوار البهیّه ، ص ۶۲ .

۶ . نمازی ، در مستدرک سفینه ، ج ۸ ، ص ۲۱۰ و مستدرکات علم رجال الحدیث ، ج ۸ ، ص ۵۹۶ .

۷ . انصاری ، در الموسوعه الکبری ، ج ۹ ، ص ۲۰۹ .

۸ . جعفر مرتضی ، در الصّحیح من سیره الامام علی علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۲۹۴.

* * *

بخش هفتم : زیارت و زیارتنامه حضرت سکینه علیهاالسلام

اشاره

ص: ۹۹

خِتامُهُ مِسْکٌ

در بخش پایـانی برای دست مریزاد به عزیزانی که با وجود مشـکلات فراوان شب و روز در خـدمت حضـرت سـکینه هسـتند و برای بازسـازی حرم مطهّر آن حضـرت تلاش می کننـد ، حـدیثی را از وجود مقـدّس رسول اکرم صـلی الله علیه و آله نقل می کنیم :

جایگاه زیارت در اسلام

شیخ طوسـی قدس سره در کتاب شریف « تهذیب الأحکام » که یکی از کتب اربعه می باشد ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که امیرمؤمنان صلوات اللّه علیه به محضر مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشت :

ما لِمَنْ زارَ قُبُورَنا وَعَمَّرَها وَتَعاهَدَها ؟ ؛

کسی که قبرهای ما را زیارت کند ، آنها را تعمیر نماید و به زیارت آنها مداومت کند چه پاداشی دارد ؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

یـا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللّه ـ جَعَلَ قَبْرَکَ وَقَبْرَ وُلْـدِکَ بِقاعاً مِنْ بِقاعِ الْجَنَّهِ ، وَعَرْصَهً مِنْ عَرَصاتِها ، وَإِنَّ اللّه ـ جَعَلَ قُلُوبَ نُجَباءَ مِنْ خَلْقِهِ وَصَفْوَتِهِ مِنْ عِبادِهِ تَحِنُّ إِلَیْکُمْ وَتَحْتَمِلُ الْمَذَلَّهَ

ص: ۱۰۱

وَالْاٴذی فیکَمْ ، فَیَعْمُرُونَ قُبُورَکُمْ وَیُکْثِرُونَ زِیارَتَها ، تَقَرُّباً مِنْهُمْ إلَی اللّه ِ ، مَوَدَّهً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ ؛

اُولئِکَ یا عَلِیُّ الْمَخْصُوصُونَ بِشَفاعَتی ، وَالْوارِدُونَ حَوْضی ، وَهُمْ زُوّاری غَداً فِی الْجَنَّهِ .

یا عَلِیُّ ! مَنْ عَمَّرَ قُبُورَکُمْ وَتَعاهَدَها ، فَکَأَنَّما أعانَ سُلَیْمانَ بْنَ داوُدَ عَلی بَناءِ بَیْتِ الْمَقْدِسِ .

وَمَنْ زارَ قُبُورَکُمْ عُدِلَ ذلِکَ لَهُ ثَوابُ سَبْعینَ حَجَّهً بَعْدَ حَجَّهِ الْاِسْلامِ ، وَخَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ ، حَتّی یَرْجِعَ مِنْ زِیارَتِکُمْ کَیَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ ؛

فَأَبْشِرْ وَبَشِّرْ أَوْلِیاءَکَ وَمُحِبّیکَ مِنَ النَّعیمِ وَقُرَّهِ الْعَیْنِ ، بِما لا عَیْنٌ رَأَتْ وَلا اُذُنٌ سَمِعَتْ وَلا خَطَرَ عَلی قَلْبِ بَشَرٍ .

وَلکِنَّ حُثالَهً مِنَ النّاسِ یُعَیِّرُونَ زُوّارَ قُبُورِکُمْ بِزِیارَتِکُمْ ، کَما تُعَیَّرُ الزّانِیَهُ بِزِناها ، اُولئِکَ شِرارُ اُمَّتی ، لا نالَتْهُمْ شَفاعَتی وَلا یَرِدُونَ حَوْضی ؛

علی جان ! خداوند قبر تو و قبرهای فرزندانت را بقعه ای از بقعه های بهشت و فضایی از فضاهای بهشت قرار داده است .

خداوند دلهای نجیب زادگان و برگزیدگان از بندگانش را شیفته شما ساخته است .

آنها در راه شما هر گونه مشقّت و اذیّت را تحمّل می کنند .

آنها قبرهای شما را آباد می کنند و برای تقرّب به خداوند و محبّت به رسول خدا ، فراوان به زیارت قبور شما می آیند .

ص: ۱۰۲

علی جان ! آنها مخصوص شفاعت من هستند ، آنها بر حوض من وارد شوند و در بهشت از زائران من هستند .

علی جان ! هر کس قبرهای شـما را تعمیر کند و بر زیارت آنها مداومت کند ، همانند کسـی است که در ساختن بیت المقدس به سلیمان بن داود یاری کرده باشد .

کسی که قبرهای شما را زیارت کند ، معادل هفتاد حجّ ــ پس از حَجَّهُ الاسلام ــ به او پاداش داده می شود و از گناهان بیرون آید و از زیارت شما برگردد همانند روزی که از مادر متولّد شده باشد .

علی جان ! بر تو بشارت باد ، تو نیز دوسـتان و علاقمندان خود را بشارت بده با نعمتها و چشم روشنی هایی که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر دل کسی خطور کرده است .

لکن تفاله هایی از مردمانْ زائرانِ قبر شما را نکوهش می کنند، آنگونه که زن بدکاره را برای کار زشتش نکوهش کنند .

آنان بدترین امّت من هستند ، شفاعت من به آنها نمی رسد و آنها بر حوض من وارد نشوند .(۱)

این حدیث شـریف در یکی از معتبرترین کتابها با سند بسیار معتبر رسیده، و نیازی به بررسی سندی ندارد زیرا شامل خبر غیبی است ، روزی که شـیخ طوسـی این حـدیث را در کتـاب خود ثبت کرده از بـدعت گـذاران وهّابی خبری نبود ، حتّی ابن تیمیّه متولّد نشده بود ، زیرا شیخ طوسی به

۱- ۱ . شیخ طوسی ، تهذیب الأحکام ، ج ۶ ، ص ۲۲ .

سال ۴۶۰ ق . درگذشته و ابن تیمیّه به سال ۶۶۱ ق . متولّد شده است .

پیامبر اکرم این حدیث را ۶۵۰ سال پیش از تولّد بنیانگذار افکار وهابّیان بیان فرموده و شیخ طوسی نیز ۲۰۰ سال پیش از ولادت او در کتابش ثبت فرموده است .

جالب توجّه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را بدترین امّت ، تفاله های مردم ، محروم از شفاعت و ورود به حوض کوثر معرّفی فرموده ، برای زائران قبور امیرمؤمنان و فرزندانش پاداشی معادل هفتاد حج بیان فرموده است .

آنگاه آبادانی قبور آنها را در حدّ یاری کردن به حضرت سلیمان در ساختن بیت المقدس تعبیر فرموده است .

امیدوارم خداوند به همه کسانی که در بازسازی حرم مطهّر حضرت سکینه تلاش کرده اند ، پاداشهای بیان شده در این حدیث را ارزانی بدارد ، بر اخلاص و توفیقاتشان بیفزاید .

یک وظیفه ولائی

برای همه شیفتگان اهلبیت علیهم السلام زیارت قبور آنها و تلاش در بازسازی آنها یک وظیفه مهم ولائی می باشد .

امام رضا علیه السلام می فرماید :

اِنَّ لِكُلِّ اِمامٍ عَهْداً فی عُنُقِ اَوْلِیائِهِ وَشیعَتِهِ وَاِنَّ مِنْ تَمامِ الْوَفاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الاْداءِ ، زِیارَهُ قُبورِهِمْ ، فَمَنْ زارَهُمْ رَغْبَهً فی زِیارَتِهِمْ وَتَصْدِیقاً بِما رَغَّبُوا فیهِ ، کانَ اَئِمَّتُهُمْ

شُفَعاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَهِ ؛

برای هر امامی در گردن دوستان و شیعیانش حقی است ، از کمال وفا به عهد و حسن ادای حق آنها زیارت قبر آنهاست . هر کس آنها را برای عشق به زیارت آنها و تصدیق ترغیب های آنها زیارت کند ، امامانش روز قیامت او را شفاعت کنند .(۱)

شیخ طوسی با سلسله اسنادش از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که فرمود :

مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلی زِیارَتِنا فَلْیَزُرْ صالِحَ اِخْوانِهِ ، یُکْتَبْ لَهُ ثَوابُ زِیارَتِنا ؛

هر کس به زیارت ما قدرت نداشته باشد ، اگر برادران ایمانی شایسته اش را زیارت کند پاداش زیارت ما به او نوشته می شود (۲).

بر این اساس برای زیارت حضرت سکینه پاداش زیارت معصومین علیهم السلام نوشته می شود ، انشاء اللّه .

زیارت آن حضرت از مصادیق تعظیم شعائر ، از موارد مودّت

۱- ۱ . کلینی ، الکافی ، ج ۴ ، ص ۵۶۷ .
۲- ۲ . شیخ طوسی ، تهذیب الأحکام ، ج ۶ ، ص ۱۰۴ .

ذِی القُربی ، از موجبات صله رسول اکرم صلی الله علیه و آله و از اقسام اجرت رسالت آن حضرت می باشد ، انشاء اللّه .

* * *

آداب زیارت

در احادیث واصله از ائمّه اطهار علیهم السلام برای زیارت معصومین علیهم السلام آداب فراوانی رسیده که نگارنده در آثار خود ۶۰ ادب برای زیارت امیرمؤمنان علیه السلام (۱) ۵۰ ادب برای سالار شهیدان(۲) ۴۰ ادب برای حضرت معصومه علیهاالسلام (۳) آورده و اینک ۲۰ ادب فهرست وار برای زیارت حضرت سکینه علیهاالسلام می آوریم:

۱ . غسل توبه پیش از تشرّف به زیارت .

۲ . غسل زیارت به قصد رجاء مطلوبیّت .

۳ . پرهیز از گناه و کارهای لغو و بیهوده در طول سفر زیارتی .

۴ . توبه از لغزشهای گذشته ، اصلاح خویش ، تهذیب نفس و جبران اشتباهات .

۵ . اذن دخول در آستانه ورود به حرم مطهّر .

۶ . حضور در حرم مطهر با خضوع و خشوع و توجّه کامل .

۷ . حفظ ادب ظاهر ، استعمال عطر و پوشیدن لباس تازه و پاکیزه .

۸ . بوسیدن آستانه ، حفظ حریم حرم و احترام به زائران و خادمان حرم .

۹ . پرهیز از ایجاد مزاحمت به دیگر زائران ، به ویژه در کنار

۱- ۱ . نگارنده ، نبراس الفائزین ، ص ۴۱ _ ۴۶ .

۲- ۲ . نگارنده ، نبراس الزّائر ، ص ۳۲ _ ۳۶ .

۳- ۳ . نگارنده ، زندگانی کریمه اهلبیت ، ص ۱۰۸ _ ۱۱۲ .

ضریح مقدس .

۱۰ . پرهیز از غذاهای بودار ، صدای بلند و فشار به دیگران .

۱۱ . خواندن زیارت مأثور از معصوم با توجّه کامل و تلفّظ صحیح .

۱۲ . تلاوت آیاتی از قرآن و هدیّه آن به حضرت سکینه علیهاالسلام .

۱۳ . خواندن دو رکعت نماز زیارت و اهدای آن به آن حضرت .

۱۴ . عدم تقدّم بر قبر مطهّر به هنگام نماز .

۱۵ . زیارت به نیابت پدر ، مادر ، حق داران و سفارش کنندگان .

۱۶ . دعا برای حوائج خویش و دیگران ، به ویژه فرج حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه .

۱۷ . کمک به نیازمندان و شرکت در امور خیریّه ، به ویژه برای تکمیل ، توسعه و خدمات فرهنگی حرم مطهّر .

۱۸ . پشت نکردن به ضریح مقدس به هنگام خروج .

۱۹ . یادآوری زندگانی سراسر افتخار حضرت سکینه و الهام پذیری از مکتب پر بار آن حضرت .

۲۰ . حفظ نورانیّت زیارت تا بازگشت به وطن و پس از آن .

* * *

زیارتنامه حضرت سکینه

در میان مخدّرات اهلبیت عصمت و طهارت ، بعد از حضرت فاطمه علیهاالسلام تنها بانویی که زیارتنامه مأثور دارد حضرت معصومه علیهاالسلام می باشد ، از این رهگذر محدث قمی برای حضرت حکیمه خاتون و آقاجمال خوانساری برای حضرت عبدالعظیم از زیارتنامه حضرت

ص: ۱۰۷

معصومه استفاده کرده اند ، از این رهگذر ما نیز برای حضرت سکینه علیهاالسلام از همان زیارتنامه استفاده می کنیم :

هنگامی که به کنار قبر مطهّر آن حضرت رسیدی در نزد سرِ آن حضرت رو به قبله بایست و بگو :

اَللّهُ اَکْبَــــرُ ــ ۳۴ مرتبه ــ

سُبْحانَ اللّهِ ــ ۳۳ مرتبه ــ

اَلْحَــمْــدُلِلّهِ ــ ۳۳ مرتبه ــ

آنگاه بگو:

اَلسَّلامُ عَلی آدَمَ صَفْوَهِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی نوُحٍ نَبِیِّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی اِبْراهیمَ خَلیلِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی موُسی کَلیمِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی عیسی روُحِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یـا رَســوُلَ اللّــهِ، اَلسَّــلامُ عَلَیْــکَ یـا خَیْــرَ خَلْــقِ اللّــهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْــکَ یـا صَفِــیَّ اللّــهِ، اَلسَّــلامُ عَلَیْــکَ یـا مُحَمَّــدَ بْــنَ عَبْــدِاللّهِ، خاتَمَ النَّبِیّینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یـا اَمیرَالْمُؤْمِنینَ عَلِیَّ بْنَ اَبی طالِبٍ، وَصِیَّ رَســوُلِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَهُ ، سَیِّدَهَ نِساءِ الْعالَمینَ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا سِبْطَیْ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ، وَ سَیِّدَیْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ، سَیِّدَ الْعابِدینَ وَ قُرَّهَ عَیْنِ النّاظِرینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یـا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِیِّ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدِنِ الصّادِقَ الْبارَّ الْأَمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا موُسَی بْنَ جَعْفَرِنِ الطّاهِرَ الطُّهْرَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ موُسَی الرِّضَا الْمُرْتَضی،

ص: ۱۰۸

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّنِ التَّقِيَّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدِنِ النَّقِيَّ النّاصِحَ الْأمينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلَى الْوَصِيّ مِنْ بَعْدِهِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى نُورِكَ وَ سِراجِكَ، وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَ وَصِيّ وَصِيِّكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلى خَلْقِكَ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ فاطِمَةَ وَ خَديجَةَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا اُخْتَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ وَلِيِّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا اُخْتَ وَلِيِّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا عَمَّةَ وَلِيِّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ، وَرَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ، عَرَّفَ اللّهُ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَ حَشَرَنا فی زُمْرَتِكُمْ، وَ أَوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَ سَقانا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ اَبی طالِبٍ، صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْئَلُ اللّهَ أَنْ يُرِيَنا فيكُمُ السُّرُورَ وَ الْفَرَجَ، وَ أَنْ يَجْمَعَنا وَإِيّاكُمْ فی زُمْرَهِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَنْ لا يَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيٌّ قَديرٌ. أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّهِ بِحُبِّكُمْ وَ الْبَراءَهِ مِنْ أَعْدائِكُمْ، وَالتَّسْليمِ إِلَى اللّهِ، راضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ وَ لا مُسْتَكْبِرٍ وَ عَلى يَقينِ ما أَتى بِهِ مُحَمَّدٌ وَ بِهِ راضٍ، نَطْلُبُ بِذلِكَ وَجْهَكَ يا سَيِّدی، اَللّهُمَّ وَ رِضاكَ وَ الدّارَ الْآخِرَةَ. يا سَكينَهُ اشْفَعی لی فِي الْجَنَّهِ، فَإِنَّ لَكِ عِنْدَاللّهِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ .

اَللّهُمَّ إِنّی أَسْئَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لی بِالسَّعادَهِ، فَلا تَسْلُبْ مِنّی ما أَنَا فيهِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ إِلاّ بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ .

اَللّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا، وَ تَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَ عِزَّتِكَ، وَ بِرَحْمَتِكَ وَ

ص: ۱۰۹

عافِیَتِکَ، وَ صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعینَ، وَ سَلَّمَ تَسْلیماً یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ .

اسناد و منابع زیارتنامه فوق را در کتاب زندگانی کریمه اهلبیت بررسی نموده ایم .(۱)

خداوند این تلاش مختصر را از این ناچیز بپذیرد ، به همه تلاشگران در طبع و نشر آن پاداش عظیم عنایت فرماید .

خدای را به احترام حضرت سکینه سوگند می دهم که این خدمت ناقابل را موجب تقرّب به پیشگاه حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه و قرب ظهور آن حضرت قرار بدهد ، انشاءاللّه .

۲۴/۳/۸۸ برابر بیستم جمادی الثّانیه ۱۴۳۰ ق .

سالروز میلاد مسعود سیّده نساء العالمین

فاطمه الزّهراء علیهاالسلام ،

جوار کریمه اهلبیت حضرت معصومه علیهاالسلام

حوزه علمیه قم _ علی اکبر مهدی پور

برخی آثار چاپ شده ی مؤلّف

۱ _ ابو ریحان بیرونی / چاپ دوّم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.

۲ _ اجساد جاویدان / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

ص: ۱۱۰

۱- ۱ . نگارنده ، زندگانی کریمه اهلبیت ، ص ۱۲۱ _ ۱۲۳ .

۳ ــ ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوّم / انتشارات رسالت / قم.

۴ ــ ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

۵ ــ ارمغان مجلسی / چاپ پانزدهم / انتشارات رسالت / قم.

۶ ــ اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.

۷ ــ اعتقادات علاّمه ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.

۸ ــ او خواهد آمد / چاپ دوازدهم / انتشارات رسالت / قم.

۹ ــ با دعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ اول / نشر موعود / تهران.

۱۰ ــ تاریخ شیعه ی زیدیّه / چاپ اوّل / دانشگاه شیراز.

۱۱ ــ تاریخ وهابیان / چاپ اول / نشر طوفان / تهران.

۱۲ ــ تاریخچه ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۱۳ ــ تشیّع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.

۱۴ ــ جزیره ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.

۱۵ ــ چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۱۶ ــ چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۱۷ ــ چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۱۸ ــ چهل حدیث در مناقب اوّلین پیشوا / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۱۹ ــ چهل حدیث در مناقب امّ ابیها / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۲۰ ــ روزگار رهائی / چاپ سوّم / نشر آفاق / تهران.

۲۱ ــ زندگانی کریمه ی اهلبیت / نشر حاذق / قم.

۲۲ ــ زیارت عاشورا وآثار معجزآسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم.

۲۳ _ سرچشمه کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه وداد / کرج.

۲۴ _ سند حدیث کساء / چاپ دوّم / انتشارات رسالت / قم.

ص: ۱۱۱

۲۵ ــ طول عمر امام زمان علیه السلام / چاپ سوّم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم.

۲۶ ــ علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران.

۲۷ ــ علی و فلسفه ی الهی / چاپ اوّل / بنیاد علّامه ی طباطبائی / قم.

۲۸ ــ کتابنامه ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

۲۹ ــ کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم.

۳۰ ــ کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم.

۳۱ ــ کریمه ی اهلبیت / چاپ اوّل / انتشارات حاذق / قم.

۳۲ ــ گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.

۳۳ ــ میثم تمّار / چاپ اوّل / انتشارات توحید / تهران.

۳۴ ــ میلاد نور / چاپ اوّل / مسجد صدریّه / تهران.

۳۵ ــ نبراس الزائر / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.

۳۶ ــ نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین علیه السلام / چاپ اول / مولود کعبه / قم.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹